



حق بر غذا به مثابه حق بنیادین بشری یا سلاح جنگی (بررسی موردی قحطی برنامه‌ریزی شده در غزه)

حسن علیزاده، حسین رستمزاد، بابک پورقهرمانی^۳

۴۰

دوره ۱۵، شماره ۱، پیاپی ۴۰
بهار ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۴-۰۵-۰۲
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴-۱۲-۰۷
مصص: ۱۲۰-۹۵

شابا چاپی: ۵۶۳۷-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

بررسی صنعت گواهی در:
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

امروزه از منظر حقوقی، اگرچه غذا به مثابه حقی بشری مورد اذعان اسناد حقوق بین‌الملل و قوانین داخلی بسیاری از جوامع قرار گرفته است، اما در برخی مناطق جهان به‌عنوان یک ابزار جنگی به کار گرفته می‌شود. سلاحی که گرچه تاریخ، فهرست تاریکی از نمونه‌هایش را از اوکراین استالین تا بیافرا به یاد دارد، اما روش‌شناسی، مقیاس و هدفمندی بحران امروز غزه، تنها «طرح گرسنگی» نازی‌ها را تداعی می‌کند. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به قوانین بین‌المللی به بررسی مسئولیت رژیم صهیونیستی به دلیل استفاده از گرسنگی به‌عنوان سلاح جنگی می‌پردازد. لذا این پرسش مطرح است که رویکرد ابزاری به غذا به مثابه سلاح جنگی در غزه چه آثار و نتایج حقوقی دارد؟ تحقیق براین فرضیه استوار است که گرسنگی دادن به جمعیت غیرنظامی غزه مطابق حقوق بین‌الملل عرفی و قراردادی ممنوع بوده و علاوه بر ایجاد مسئولیت کیفری برای رژیم اشغالگر، تعهداتی را نیز بر سایر دولت‌ها تحمیل می‌کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد با وجود قوانین بین‌المللی صریح مبنی بر ممنوعیت استفاده از گرسنگی به‌عنوان سلاح، چنین رفتاری در پرتوی سکوت مجامع بین‌المللی همچنان در منازعات مدرن باقی مانده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که قحطی برنامه‌ریزی شده در غزه مصداق بارز جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی بوده و از آنجایی که منع نسل‌کشی از تعهدات همگانی (عام‌الشمول) می‌باشد لذا همه دولت‌ها حق دارند بابت نقض تعهدات همگانی به مسئولیت رژیم اسرائیل استناد کنند. به عبارت دیگر، نتیجه حقوقی وقوع یک جنایت بین‌المللی، اتخاذ و اقدام متقابل فوری توسط جامعه بین‌المللی به‌طور کلی خواهد بود و البته به این حد از واکنش نیز محدود نخواهد بود. بلکه به لحاظ ماهیت تخلف که جنایت محسوب می‌شود، مسئولیت کیفری عامل (عاملان) ارتکاب نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها:

غزه، غذا، گرسنگی دادن، جنایت، اساسنامه رم، حقوق بشردوستانه، حقوق بشر.

۱. دانشجوی دکتری، حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد مراغه، مراغه، ایران

۲. دانشیار، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
rostamzad34@yahoo.com. (نویسنده مسئول).

۳. استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران



مقدمه و بیان مسأله

قحطی^۱ و گرسنگی^۲ در غزه موضوع جدیدی نیست. این باریکه طی دو دهه گذشته تحت محاصره و کنترل شدید رژیم صهیونیستی قرار داشته و هر محموله‌ای تنها با موافقت و صدور مجوز از سوی نیروهای اسرائیلی می‌توانست وارد غزه شود. علیرغم ادعای رژیم صهیونیستی مبنی بر خروج از غزه در سال ۲۰۰۷، کنترل و نظارت این رژیم بر گذرگاه‌های غزه باعث ایجاد ناامنی غذایی، کمبود مواد غذایی و سوء تغذیه در غزه از سال ۲۰۰۷ تا ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ شده بود (UN, 2024: para.16). اما پس از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ و در تلافی عملیات طوفان الاقصی، رژیم صهیونیستی محدودیت‌ها و موانع دسترسی به مواد غذایی را تشدید و با اعلام توقف تأمین برق، غذا، آب و سوخت یک «محاصره کامل» علیه جمعیت غیرنظامی غزه اعمال کرد. از سال ۲۰۲۴، اسرائیل ورود هرگونه مواد غذایی، سوخت و سایر کالاهای اساسی به نوار غزه را به‌طور کلی ممنوع کرد و در مقاطعی خاص به تعداد کمی از کامیون‌های حامل کمک‌های بشردوستانه اجازه ورود به غزه را داده است (UN GAREs, 2024: para.29). مقام‌های ارشد رژیم صهیونیستی تأکید کرده‌اند که این اقدامات با هدف وادار ساختن حماس به آزادسازی گروگان‌ها صورت می‌گیرد. این محدودیت‌ها، هرچند شرایط بسیار سختی را برای مردم غزه ایجاد کرده بود اما نقش‌آفرینی موثر آژانس‌های امدادی و نهادهای بین‌المللی در توزیع کمک‌های بشردوستانه باعث می‌شد تا سوءتغذیه به پدیده‌ای فراگیر تبدیل نشود. اما از مارس ۲۰۲۵، رژیم صهیونیستی در سایه تبانی، انفعال و سکوت جامعه جهانی، محرومیت مردم غزه از ساده‌ترین نیاز حیاتی یعنی غذا را اعمال کرده است. صهیونیست‌ها با وقاحت اعلام کرده‌اند که غذا به‌عنوان بخشی از ابزار جنگی مورد استفاده قرار گرفته است. این درحالی است که کمیسیون حقوق بشر در قطعنامه ۱۹ (CHR, 2004: para.2)، مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ۱۹۱/۷۱ (UNGAREs, 2017: para.1) و بند اول و دوم همه قطعنامه‌های شورای حقوق بشر درباره حق بر غذا، به‌درستی تأکید می‌کند که گرسنگی، تجاوز، بی‌حرمتی و نقض کرامت انسانی است (HRC, 2013: para.1).

ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۳ (۱۹۶۶) به دو هنجار مجزا اما مرتبط با یکدیگر یعنی «حق بر غذای کافی» و دیگری «حق رهایی از گرسنگی» اشاره می‌کند. با اینکه حق بر غذا از حقوق نسل دوم و در زمره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد و تعهد دولت‌ها در مورد نسل دوم حقوق بشر برخلاف نسل اول تدریجی است، اما میثاق حق رهایی از گرسنگی را با واژه «بنیادین» توصیف کرده است. به‌عبارتی، میثاق به غیر از رهایی از گرسنگی برای هیچ حق دیگری و صف «اساسی» را بکار نبرده است. منظور از کاربرد واژه «بنیادین» آن است که دولت، تعهد فوری و نه تدریجی به جلوگیری از گرسنگی دارد و از آنجایی که رهایی از گرسنگی با حق بر حیات مرتبط است، باید در هر شرایطی محترم شمرده شود (Craven, 1995: ۴۵) در غزه این تعهدات سه‌گانه حقوق بشری برعهده رژیم اشغالگر قرار دارد. لذا علاوه بر اینکه حقوق بشر در مدت اشغال یا در طول یک مخاصمه متوقف نمی‌شود، بلکه قابلیت اعمال با اصول و قواعد حقوق بشردوستانه را دارد. رای تادیچ نیز نشان داد گرچه

^۱Famine.

^۲Starvation.

^۳The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights is a multilateral treaty



حقوق بشردوستانه به عنوان مقررات خاص در وضعیت‌های درگیری و اشغال اجرا می‌شود اما نقایص آن را حقوق بشر برطرف می‌کند (مولائی فرد، اشرافی و ظاهری، ۱۴۰۱: ۱۵۵۱). به عبارت دیگر، در جهان هیچ «منطقه آزاد حقوق بشری» وجود ندارد و انسان‌ها به صرف انسان بودنشان از یکسری حقوق بنیادین بشری برخوردارند. و حقوق بشر در طول مخاصمات مسلحانه به‌عنوان مکمل موازین حقوق بشردوستانه قابل اجرا است (ممتاز و قربان‌نیا، ۱۳۸۵: ۳) و اجرای یکی به‌معنای طرد آن دیگری نیست. هر دو مشترکاً و به طور هم‌زمان لازم‌الاجرا هستند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۱: ۸۰-۸۸). با تصویب پروتکل‌های الحاقی^۱ به کنوانسیون‌های ژنو بود که تقارب حقوق بشر و بشردوستانه به روشنی ظاهر گردید و قابلیت اعمال هم‌زمان این دو حقوق در زمان مخاصمه به رسمیت شناخته شد (قربان‌نیا، ۱۳۸۶: ۵۷).

از آنجایی که قطع کامل ورود مواد غذایی به غزه، هدف قرار دادن مزارع، انبارهای آرد و نانویایی‌ها و حتی تیراندازی به مردم صف کشیده برای دریافت کمک‌های غذایی تأثیر گسترده‌ای در ایجاد گرسنگی دارد، تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در این زمینه اهمیت خود را نشان می‌دهد. اسناد بین‌المللی حقوق بشر سه نوع تعهد (تعهد به احترام و حمایت، تعهد به تضمین و ترغیب و تعهد به ایفا و اجرا) را به دولت‌ها در مورد حق بر غذا تحمیل می‌کنند. ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) مقرر می‌دارد: «دول عضو این میثاق متعهد می‌گردند به‌صورت فردی و جمعی یعنی از طریق کمک‌ها و همکاری‌های بین‌المللی، به ویژه همکاری‌های اقتصادی و فنی و با حداکثر منابع موجود خود برای تحقق تدریجی حقوق شناخته شده در این میثاق با کلیه وسائل مقتضی اقدام نمایند». علاوه بر اهمیت حق دسترسی به غذا در حقوق بشر هرگونه ایجاد محدودیت عمده در دسترسی افراد به غذا و ایجاد قحطی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌عنوان «جنایت علیه بشریت» و «جنایت جنگی»^۲ شناخته می‌شود. این اعمال تحت مقررات مختلف بین‌المللی، «حقوق بین‌الملل عرفی» و «حقوق بین‌الملل قراردادی» از جمله «اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی» و «کنوانسیون‌های ژنو» ممنوع بوده و آمران، عاملان و مسببان هرگونه ایجاد قحطی دارای مسئولیت کیفری می‌باشند.

بیشترین موارد منع‌کننده گرسنگی در حقوق قراردادی بین‌الملل به اساسنامه رم (۱۹۹۸) که درباره جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی است و کنوانسیون‌های ژنو^۳ (۱۹۴۹) و پروتکل‌های الحاقی آن در موضوع ممنوعیت استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح و کنوانسیون نسل‌کشی^۴ (۱۹۴۸) در صورت قصد نابودی یک گروه قومی و... بازمی‌گردد.

^۱ Protocol I (1977). Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to The Protection of Victims of International armed Conflicts, CDDH, Official Records, Vol. VI, CDDH/SR.43, 27 May 1977, 250p. Protocol II (1977). Protocol Additional to The Geneva Conventions of 12 August 1949 and Relating to the Protection of Victims of non-International armed Conflicts (Protocol II), CDDH, Official Records, Vol. VII, CDDH/SR.50, 3 June 1977, 90p.

^۲ War Crimes.

^۳ The Geneva Convention, 1949.

^۴ Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide Approved and proposed for signature and ratification or accession by General Assembly resolution 260 A (III) of 9 December 1948 Entry into force: 12 January 1951, in accordance with article XIII.



تحقیق حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی و استفاده از روش تحلیل محتوای گزارش‌های نهادهای بین‌المللی از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۵ و همچنین بررسی اسناد حقوق بشری و حقوق بشردوستانه در صدد بررسی تعهدات دولت‌ها در زمینه ممنوعیت ایجاد قحطی و ایجاد گرسنگی عمدی است. لذا این پرسش مطرح است که رویکرد ابزاری به غذا و بهره‌گیری رژیم صهیونیستی از آن به‌عنوان ابزار یا سلاح جنگی در غزه، چه پیامدها و آثار حقوقی به‌دنبال دارد؟ با توجه به اقدامات رژیم صهیونیستی در جلوگیری از کمک‌رسانی به مردم و ممانعت از رسیدن آب و غذا و دارو به ساکنان باریکه محاصره شده غزه بیانگر نسل‌کشی برنامه‌ریزی شده است. مطابق اصول و قواعد حقوق بین‌الملل ممانعت از نسل‌کشی از تعهدات همگانی یا تعهدات عام‌الشمول محسوب می‌شود که هم به دولت قربانی و هم سایر دولت‌ها حق اقدام می‌دهد. با توجه به فقدان یک دولت مرکزی در غزه و عدم توان یا اراده تشکیلات خودگردان فلسطین برای طرح مسئولیت رژیم صهیونیستی، واکنش در مقابل معماری نسل‌کشی از طریق گرسنگی دادن نه تنها حق بلکه تکلیف دولت‌های ثالث بوده و اقدام به‌صورت فردی یا جمعی از نوع «اقدام به نفع عموم» علیه عامل تخلف (جنایت) بین‌المللی، لازم و ضروری است.

بررسی غیرقابل نقض بودن حق دسترسی به غذا در مناصمات مسلحانه و بررسی سازوکارهای نظارتی و راهکارهای پاسخگو کردن رژیم صهیونیستی در قبال ارتکاب جرایم علیه بشریت و جنایات جنگی هدف این پژوهش می‌باشد. بی‌تردید شناخت جنایت گرسنگی دادن و توسعه گفت‌وگو و ادبیات مرتبط با آن در پیشگیری از ارتکاب این رفتار و همچنین پایان بخشیدن به بی‌کیفرمانی مرتکبان آن از ضرورت‌های جامعه جهانی می‌باشد. زیرا اگر جامعه جهانی نتواند در برابر این قحطی عمدی و مهندسی شده واکنشی مؤثر نشان دهد، عملاً موجب پذیرش رسمی «گرسنگی به‌عنوان سلاح جنگی» در نظم بین‌المللی خواهد بود؛ خطری که می‌تواند در آینده علیه هر ملت دیگری نیز به‌کار رود. هر ساعت سکوت نهادهای بین‌المللی و جامعه جهانی، نه تنها به حفظ وضعیت فعلی کمک می‌کند، بلکه قواعد مسئولیت بین‌المللی را در مورد حمایت از ارزش‌ها و منافع برتر بین‌المللی تضعیف می‌کند. سازمان‌های جهانی و دولت‌ها موظف به اقدام فوری برای توقف نسل‌کشی مردم غزه بوسیله گرسنگی عمدی و هدفمند رژیم صهیونیستی هستند.

۱. شناسایی حق بر غذا به‌عنوان حق بنیادین بشری

در چارچوب حقوق بین‌الملل، آنچه ذیل عنوان حق بر غذا مطرح می‌شود، دسترسی پایدار به غذا و مسئولیت دولت‌ها در تأمین غذای انسان‌ها و مبارزه با گرسنگی و رنج ناشی از آن است (مک‌مالین، ۱۳۹۶: ۳). مواد ۳، ۲۱ و ۲۳ و ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد مصوب سال ۱۹۴۸ بر تأمین یک استاندارد کافی برای زندگی از جمله حق دسترسی به غذا تأکید می‌کنند (UDHR, 1945: art.25). حق بر غذا در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عنوان مستقلی ندارد و در بند (۱) ماده ۱۱ تحت عنوان «استاندارد مناسب زندگی» آمده است (ICESCR, 1966: art.11). ماده ۲۰ عهدنامه سال

۱ Actio Popularis.

۲ Adequate Standard of Living.



۱۹۵۵ درباره نحوه رفتار با زندانیان، حداقل حقوق استاندارد آب و غذای آنها را تعیین کرده است. ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودکان مصوب سال ۱۹۸۹ مشخص کننده حق کودکان در بالاترین استاندارد بهداشتی است در این ماده آمده است که «دولت‌ها باید اقدامات لازم برای پایان دادن به مرگ و میر کودکان را انجام دهند و باید آب و غذای کودکان را تامین کنند» (CRC, 1989).

(Article: 24

اعلامیه رم در مورد امنیت غذای جهانی^۳ مصوب سال ۱۹۹۶ «حق هر فردی برای دسترسی به غذا را مورد شناسایی قرار داده و تاکید می‌کند که غذا نباید به عنوان ابزاری برای فشار سیاسی و اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد» (Rome Declaration, 1996: para.3). این اعلامیه دولت‌ها را متعهد می‌کند تا تعداد افراد مبتلا به سوء تغذیه را به نصف میزان کنونی برسانند. اعلامیه رم در مورد امنیت غذای جهانی (۱۹۹۶) دارای برنامه عملی است که اجرای آن دسترسی به غذای کافی را برای همه ممکن می‌سازد (WFS Plan of Action, 1996) منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک^۴ (۱۹۹۰) در ماده ۱۴ به کلیه اعضاء دستور می‌دهد که از بهترین و بالاترین توانایی خود با استفاده از منابع موجود برای تامین غذای کافی اقدام کنند. پروتکل سان سالوادور^۵ (۱۹۸۸) که تکمیل کننده کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^۶ (۱۹۶۹) می‌باشد به صراحت حق دسترسی همگان به غذا را به رسمیت می‌شناسد. ماده ۱۲ بیان می‌کند: «هر کسی حق دارد از تغذیه کافی که امکان بهره‌مندی از بالاترین سطح رشد جسمی، عاطفی و فکری را تضمین می‌کند، برخوردار باشد». در همان ماده، به منظور تضمین بهره‌مندی از این حق و ریشه‌کن کردن سوء تغذیه، کشورهای تصویب کننده خود را متعهد به بهبود روش‌های تولید مواد غذایی و همچنین اصلاح روش‌های توزیع کرده‌اند. کمیته حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد می‌گوید: «تامین غذای کافی به اندازه‌ای که نیازهای رژیم غذایی را تأمین نماید جزو اهداف اصلی این کمیته می‌باشد» (CESCR, 1999: para: 12) هر دولتی موظف است برای همه افراد تحت صلاحیت خود دسترسی به حداقل غذای ضروری که از نظر تغذیه کافی و ایمن باشد تضمین کند» (CESCR, 1999) حق داشتن آن مقدار غذا که انسان را از گرسنگی به دور دارد به عنوان هسته اصلی حداقل سطح قانونی «حق بر غذا» به شمار می‌آید.

۲. استفاده از غذا به عنوان ابزار جنگی: از محاصره لنینگراد تا محاصره غزه

استفاده از غذا به عنوان ابزار جنگی موضوع جدیدی نبوده و قدمت زیادی دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که از آغاز خلقت بشر، غذا به عنوان یک سلاح جنگی مورد استفاده قرار گرفته است. دشمنان سعی می‌کردند یکدیگر را به واسطه گرسنگی به هلاکت برسانند. رومی‌ها این کار را انجام دادند (Donahue & Brice, 2023: 3) و آلمانی‌ها، آمریکایی‌ها و بریتانیایی‌ها نیز غذا را به

^۱Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners Adopted by the First United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, held at Geneva in 1955, and approved by the Economic and Social Council by its resolution 663 C (XXIV) of 31 July 1957 and 2076 (LXII) of 13 May 1977.

^۲Convention on the Rights of the Child, adopted 20 November 1989, General Assembly resolution 44/25.

^۳The Rome Declaration on World Food Security Rome, 13 November 1996. document adopted at the 1996 World Food Summit took place in Rome, Italy between 13 and 17 November 1996.

^۴African Charter on the Rights and Welfare of the Child (1990), OAU Doc. CAB/LEG/24.9/49.

^۵Additional Protocol to the American Convention on Human Rights in the Area of Economic, Social and Cultural Rights.

^۶American Convention on Human Rights Pact of San José, Costa Rica, 1969, UN Treaty Series 11440.



عنوان سلاحی علیه هند و سایر ملت‌ها به کار گرفتند. تقریباً در هر درگیری یا جنگی از غذا به عنوان یک سلاح استفاده شده است. در آغاز جنگ جهانی اول، بریتانیا محاصره‌ای را علیه آلمان اعمال کرد که هدف آن جلوگیری از ورود هرگونه واردات به این کشور بود. آلمانی‌ها اقدام نیروی دریایی بریتانیا را به‌عنوان "محاصره گرسنگی" نامیدند و ادعا نمودند که این اقدام به‌دلیل کمبود تغذیه کافی، به رفاه زنان و کودکان آسیب جدی وارد کرده است. این ادعاهای آلمان مبنی بر اینکه بریتانیا از گرسنگی به عنوان سلاح جنگی علیه غیرنظامیان استفاده کرده است، از سوی بریتانیایی‌ها رد شده است. با این حال، بررسی اجساد تازه کشف شده از کودکان مدرسه‌ای آلمانی در طول جنگ، ادعاهای آلمان مبنی بر اینکه محاصره محرومیت شدیدی را به کودکان و سایر افراد غیرنظامی وارد کرده است، را تأیید می‌کند (Cox, 2013: 4). در سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۴۱، کارکنان ارشد هیتلر طرحی را برای گرسنگی دادن نظام‌مند به ۳۰ میلیون اوکراینی، روس و اسلاو تدوین کردند. این تلاش که به‌عنوان «طرح گرسنگی» شناخته می‌شود، توسط «هربرت باکه»، وزیر غذای نازی‌ها، رهبری می‌شد. محاصره شهر سن‌پترزبورگ در جنگ جهانی دوم که در دوران شوروی سابق لنینگراد نامیده می‌شد، از هشتم سپتامبر ۱۹۴۱ آغاز و تا ۲۷ ژانویه ۱۹۴۴ به‌طول انجامید یکی از وحشتناک‌ترین مصادیق جنایت گرسنگی دادن را رقم زد (Mulder & van Dijk 2021: 386). برآوردهای نشان از آن دارد که میان ۶۰۰ هزار تا ۱٫۱ میلیون نفر از ساکنان این شهر طی مدت محاصره بر اثر بمباران یا گرسنگی ناشی از قحطی کشته شدند. فهرست تاریخ استفاده از گرسنگی به‌عنوان سلاح به این موارد ختم نمی‌شود. در جنگ داخلی نیجریه (۱۹۶۷-۱۹۷۰)، دولت مرکزی با حمایت کشورهای غربی، به ویژه بریتانیا، با ایجاد محاصره کامل علیه ایالت جدایی طلب بیافرا^۱، قحطی گسترده‌ای را به راه انداخت که به مرگ بیش از یک میلیون نفر، عمدتاً از قوم ایگبو^۲، منجر شد. تصاویر کودکان گرسنه بیافرا، وجدان جهانی را تکان داد و این فاجعه را به نمادی از کاربرد بی‌رحمانه گرسنگی علیه غیرنظامیان تبدیل کرد. اما این شیوه جنگی که تصور می‌شد با برجسته شدن مباحث حقوق بشری و انسانی شدن نبردها دیگر تکرار نشود بار دیگر در غزه تکرار گردید. جنگ رژیم صهیونیستی علیه غزه که از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد، پرده از تلاش‌های این رژیم برای پنهان کردن استراتژی گرسنگی برداشت. نظامیان صهیونیست کاملاً آشکارا از ورود آب و مواد غذایی و سوخت به غزه جلوگیری کرده و موجب بحرانی شده است که محصول مستقیم محاصره و سیاست حامدانه رژیم صهیونیستی است که غذا و آب را به‌سلاح جنگی بدل کرده است (IICI, 2025: para.23).

۳. گرسنگی دادن از منظر حقوق بین‌الملل

در میان برخی نویسندگان مرسوم شده است که هر جا دولتی تعهدات بین‌المللی خود را نقض می‌کند انگشت اتهام به سوی حقوق بین‌الملل گرفته می‌شود. مذاقه در عناوینی همچون «بحران غزه، آینه ناکارآمدی حقوق بین‌الملل»، «غزه و شکست نظام حقوق بشری»، «جنگ غزه و ریشه‌های استعماری حقوق بین‌الملل»، «گرسنگی در غزه؛ قتلگاه حقوق بین‌الملل» و عناوین مشابه

^۱ Der Hungerplan

^۲ Herbert Bucke.

^۳ Indigenous People of Biafra.

^۴ Igbo people.



کاملاً مثبت این ادعا می‌باشند. در این که حقوق بین‌الملل فاقد ضمانت اجرای موثر می‌باشد، هیچ تردیدی نیست. اما نقض حقوق بین‌الملل مربوط به ضعف حقوق بین‌الملل نیست. حقوق بین‌الملل وضعیت حقوقی گرسنگی را کاملاً تبیین کرده است و در واقع رسالت خود را با تحمیل تعهدات بر تابعان انجام داده است. اجرای تعهدات و واکنش به دول ناقض تعهدات مبحثی جداگانه است که بیشتر از آن که به ساختار حقوق بین‌الملل مربوط باشد به مصلحت سنجی سیاسی تابعان و بازیگران عرصه جامعه بین‌المللی، بازی‌های دیپلماتیک و عدم همبستگی بین‌المللی مربوط است. حقوق بین‌الملل حتی به کشورهای ثالث (غیر زیان‌دیده) این صلاحیت (اختیار) را داده است تا در مقابل نقض تعهدات همگانی (عام‌الشمول) همچون نسل‌کشی دست به اقدام فردی یا جمعی زده و در مقابل دولت خاطی واکنش نشان دهند (ILC, 2001, Arts. 41, 48). بر مبنای موازین حقوق بین‌الملل از جمله آنچه در طرح مواد در مسئولیت تدوین شده در کمیسیون حقوق بین‌الملل، به ویژه مواد ۴۱، ۴۸ و ۵۴ این طرح آمده است، در صورت جنایت بودن عملی که موجب مسئولیت بین‌المللی شده است، همه کشورها باید از شناسایی پیامدهای چنین عملی خودداری کنند و به کشور [یا کشورهای] عامل جنایت نه تنها هیچ‌گونه مساعدتی نکنند، بلکه باید برای اجرای اقداماتی که هدف‌شان از بین بردن آثار جنایت است، با یکدیگر همکاری کنند (GC IV, 1949, Common Art. 1; Additional Protocol I, 1977, Art. 89; ILC, 2001, Arts. 41, 48). تعهد دولت‌ها در راستای عدم شناسایی نقض تعهدات همگانی و تلاش برای همکاری متقابل جهت پایان دادن به نقض جدی تعهدات آمره و عام‌الشمول به این معنی است که برخی تعهدات نظیر منع بردگی، منع شکنجه و منع نسل‌کشی به اندازه‌ای واجد اهمیت است که حتی کشورهای ثالث (غیر زیان‌دیده) نیز صلاحیت اقدام دارند. زیرا رعایت تعهدات همگانی (عام‌الشمول) به نفع کل جامعه بین‌المللی است.

۳.۱ دیدگاه حقوق بین‌الملل بشر

هر انسانی از این حق برخوردار است که از گرسنگی رها باشد و به منابع غذایی ایمن و کافی دسترسی داشته باشد. به‌عنوان یک مفهوم حقوق بشری، حق بر غذا، دست کم در اسناد بین‌المللی، به‌عنوان یکی از حقوق مسلم بشری مورد موافقت قرار گرفته است (ICESCR, 1966: art.11; CEDAW, 1979: art.14; CRC, 1989: arts 24 & 27; African Children's Charter, 1990: art.14; UDHR, 1945: art.25). تعهدات حقوقی کشورها در مورد حق بر غذا در ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) تعیین شده است. علاوه بر میثاق در نظریه کلی شماره ۳ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۹۰) به‌صورت مفصل تعهدات سه‌گانه حقوق بشری در قبال حق دسترسی به غذا و رهایی از گرسنگی بررسی شده است. کمیته در پاراگراف ۱۴ نظریه تفسیری خود مقرر می‌دارد: «وظیفه اصلی دولت‌ها برداشتن گام‌هایی برای دستیابی به تحقق تدریجی و نهایتاً تحقق کامل حق بر غذا است. حق داشتن غذای کافی این امر الزامی را نیز برای دولت‌ها ایجاد می‌کند که حرکت پرشتابی را برای رسیدن به اهداف میثاق داشته باشند» (CESCR, 1999, para.14) کمیته در پاراگراف ۱۵ نظریه کلی شماره ۳ هم‌چنین مقرر می‌دارد: «حق داشتن غذای کافی مانند هر حق انسانی دیگری سه نوع تعهد به



ترتیب تعهد به احترام، تعهد به حمایت و تعهد به ایفا یا اجرا را به دول عضو تحمیل می‌کند. تعهد به انجام به نوبه خود، هر دو نوع تعهد یعنی تعهد به تسهیل و تعهد به ارائه را در برمی‌گیرد» (CESCR, 1999, para.15). «زیگلر» گزارشگر ویژه حق بر غذا در بند ۴۲ گزارش خود بر تعهدات سه‌گانه یعنی تعهد به احترام، تعهد به حمایت و تعهد به اجرا تأکید می‌کند. طبق تفسیر عمومی شماره ۱۲ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مورد حق بر غذا، «تعهد به حفاظت مستلزم اقداماتی از سوی دولت است تا اطمینان حاصل شود که شرکت‌ها یا بخش خصوصی، مانعی در دسترسی اشخاص به غذای کافی ایجاد نمی‌کنند» (Ziegler, ۲۰۰۴: ۱۵). این سه نوع تعهد نسبت به حق بر غذا در اسناد بین‌المللی مورد تصریح قرار گرفته است. در زمینه حق بر غذا میان تعهدات سه‌گانه حقوق بشری (تعهد به احترام و حمایت، تعهد به تضمین^۱ و تعهد به ایفا^۲) یک سلسله مراتب وجود دارد. بدین معنی که در سطح نخست دولت‌ها متعهد به رعایت و احترام به حق بر غذا هستند. ماده دو میثاق حقوق مدنی و سیاسی از دولت‌های عضو می‌خواهد به حقوق بشر احترام گذاشته، آن‌را برای همه افراد در قلمرو خودشان تضمین کنند (ICCPR, Article.2: ۱۹۶۶) میثاق حقوق مدنی و سیاسی تصریح می‌کند که تکلیف دولت‌ها مشتمل بر تعهد به حمایت، رعایت^۳ و تضمین^۴ است. انتخاب دقیق کلمات این امر را مورد تأکید قرار می‌دهد که دولت‌ها نمی‌توانند نسبت به تهدیداتی که بهره‌مندی موثر از حقوق شهروندان را از سوی دارندگانش به خطر می‌اندازد، منفعل بمانند بلکه علاوه بر این در صورتی که نیاز باشد، متعهدند برای حمایت از حقوق مربوطه گام‌های مجدانه‌ای را نیز بردارند (ICCPR, 1966: Art 2(1)) در بند ۴۱ گزارش گزارشگر ویژه حق بر غذا تعهد به حمایت و احترام در زمینه حق بر غذا مورد تأکید قرار گرفته است (HRC, 2015: para.41). یکی از تدابیر مناسب برای تحقق حق بر غذا و احترام و حمایت از آن همان‌طور که در بند ۳۷ گزارش گزارشگر ویژه حق بر غذا مقرر شده، «قانونگذاری»^۵ است (UN, 2003: para.37). شناسایی حق بر غذا در قوانین اساسی یا عادی نشانگر حمایت و احترام دولت‌ها به حق بر غذا است. مطابق بند ۴۸ گزارش گزارشگر ویژه، تعهد به احترام، حداقل تعهدی است که کشورها را ملزم می‌کند تا اطمینان حاصل کنند که سیاست‌ها و رویه‌های آن‌ها منجر به نقض حق بر غذا در سایر کشورها نمی‌شود. تعهد به محافظت، کشورها را ملزم می‌کند تا اطمینان حاصل کنند که شهروندان و شرکت‌های خودشان و همچنین سایر اشخاص ثالث تابع صلاحیت آن‌ها، از جمله شرکت‌های فراملی، حق بر غذا را در سایر کشورها نقض نمی‌کنند (ESCR, 2005: 48). بند ۵۷ گزارش گزارشگر ویژه غذا مقرر می‌دارد: «تعهد به حمایت مستلزم تسهیل و ارائه است. تسهیل تحقق حق بر غذا لزوماً نیازی به منابع یا کمک‌های بین‌المللی یا اقدامات ایجابی دولت‌ها ندارد. بلکه مستلزم آن است که همه کشورها امکان بهره‌مندی همگان را از غذا

^۱ Obligation to Respect & Protect.

^۲ Obligation to Support.

^۳ Obligation to Perform.

^۴ Respect.

^۵ Ensure.

^۶ Legislation.



توسط قوانین شناسایی کنند. اما تعهد به ارائه به این معنی است که دولت‌ها وظیفه دارند از تحقق حق بر غذا در کشورهای فقیرتر حمایت کنند» (ESCR, 2005: 57).

۳،۲ دیدگاه حقوق بین‌الملل بشردوستانه

در گذشته، گرسنگی دادن به دشمن به‌عنوان یک روش جنگی مرسوم و مشروع کاملاً مورد پذیرش دول متخاصم بود. این امر به‌وضوح در اسناد اولیه حقوق مدرن جنگ مشهود است (Schindler & Toman, 1988: 3). به‌عنوان مثال، قانون لیبر^۱ ۱۸۶۳، یک سند بنیادی در حقوق مدرن جنگ، صراحتاً گرسنگی دادن به جمعیت دشمن، چه «مسلح و چه غیرمسلح»، را برای تسریع تسلیم آنها مجاز می‌دانست (Lieber Code, 1863: Art.17). کد لیبر یا دستورالعمل عمومی شماره ۱۰۰ برای ارتش ایالات متحده، مجموعه‌ای از قوانین و مقررات بود که برای اداره عملیات خصمانه ارتش‌های ایالات متحده (اتحادیه یا شمال) علیه ایالات کنفدراسیون آمریکا (کنفدراسیون یا جنوب) مورد استفاده قرار می‌گرفت. ماده ۱۷ این دستورالعمل مقرر می‌دارد: «جنگ فقط با سلاح انجام نمی‌شود. گرسنگی دادن به دشمن، اعم از نیروهای مسلح و غیرمسلح، برای تسریع تسلیم دشمن قانونی است.» دیدگاه اخلاقی به این موضوع پس از جنگ جهانی اول و به‌دنبال محاصره‌های غیراخلاقی متفقین که باعث گرسنگی گسترده غیرنظامیان شد، شروع به تغییر کرد. در سال ۱۹۱۹، کمیسیون مسئولیت عاملان جنگ [جهانی اول] و اجرای مجازات‌ها در گزارشی، «گرسنگی دادن عمدی غیرنظامیان» را «مغایر با آداب و رسوم جنگ و قوانین بشریت» توصیف کرد (Levie, 1979: ۱۵۸). اگرچه این اقدام از منظر اجرایی واجد خصیصه الزام‌آوری نبود، اما موجب شناسایی گرسنگی به‌عنوان یک جنایت جنگی در سطح بین‌المللی بود.

در محاکمات نورنبرگ پس از جنگ جهانی دوم، فرماندهان آلمانی مانند فیلد مارشال فون لیب^۲ (برای محاصره لنینگراد) از اتهامات گرسنگی تبرئه شدند زیرا دادگاه دریافت که هیچ ممنوعیتی در مقررات لاهه در مورد استفاده از گرسنگی به‌عنوان سلاح جنگی وجود ندارد. این تبرئه، شکاف قوانین موجود را در زمینه ممنوعیت گرسنگی دادن را، برجسته کرد. ایجاد یک ممنوعیت آشکار به‌دلیل منافع استراتژیک قدرت‌های بزرگ با موانع جدی روبرو شد. در طول تهیه پیش‌نویس کنوانسیون‌های ژنو در سال ۱۹۴۹، بلوک ناتو، که مایل به حفظ گزینه استراتژیک محاصره علیه اتحاد جماهیر شوروی بود، مفادی را که می‌توانستند ممنوعیت گرسنگی را تقویت کنند، تضعیف کردند. متن نهایی، ضمن اعمال برخی محدودیت‌ها، در اصل قانونی بودن گرسنگی به‌عنوان سلاح جنگی را به‌رسمیت شناخت (Jordash, Murdoch & Holmes, 2019: 849). نقطه عطفی در این زمینه با پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو حاصل شد. ماده ۵۴ پروتکل الحاقی اول (برای درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی) و ماده ۱۴ پروتکل الحاقی دوم (برای درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی) صراحتاً استفاده از گرسنگی دادن به جمعیت غیرنظامی را به‌عنوان یک روش جنگی ممنوع می‌کنند (Additional Protocol I, Article 54(1)). این ممنوعیت، در حالی که بسیار

^۱. Libre Law 1863.

^۲. Wilhelm Ritter von Leeb.



قاطع است، اما به دلیل برخی ملاحظات عملی و نظامی، دارای استثنائاتی است که آن را از حالت مطلق مطلق خارج می‌کند. برای مثال اگر منابع غذایی، هدف نظامی مشروع تلقی شوند (مثلاً اگر نیروهای دشمن به طور مستقیم از آن برای مقاصد نظامی استفاده کنند)، با رعایت اصل تناسب ممکن است مورد هدف قرار گیرند.

۳,۳ دیدگاه حقوق بین‌الملل اشغال

در کنوانسیون چهارم ژنو که به کنوانسیون حقوق اشغال معروف است، در ماده ۲۹ آن به تعهد دولت‌های عضو کنوانسیون به آزادی عبور کلیه محموله‌های غذایی ضروری (نان، آرد، شکر، روغن و نمک) و مواد مغذی کودکان زیر ۱۷ سال و زنان باردار اشاره شده و بنا بر ماده ۷۷ آن دولت اشغالگر مکلف است در حد امکانات، نیازهای مردم تحت اشغال را از نظر مواد غذایی، پزشکی تأمین کند و در صورت کافی نبودن مواد غذایی، آن را از خارج وارد نماید. در ماده ۷۳ کنوانسیون مذکور نیز به طرح‌ها و کمک‌های بشردوستانه و ارسال مواد غذایی و دارویی اشاره شده است (Defalco, 2009: 11-22) وضعیت غزه حتی با اجرای طرح خروج اسرائیل از غزه در سال ۲۰۰۴ (Disengagement Plan, 2004: 90) دقیقاً وضعیت اشغال البته به شیوه‌ای نوین می‌باشد. بر اساس قوانین بین‌المللی، اشغال نظامی اسرائیل در غزه بین سال‌های ۱۹۶۷ تا ۲۰۰۴ غیرقانونی بود و باید پایان می‌یافت (ICJ, 2024). لذا رژیم صهیونیستی جهت رهایی از فشارهای سیاسی و حقوقی با انتشار یک سند عمومی تحت عنوان «طرح خروج» در سال ۲۰۰۴ اعلام نمود که از غزه خارج خواهد شد. مذاقه در سند مذکور نشان می‌دهد که این طرح بیشتر از آن که خروج و پایان اشغال باشد تحول در شیوه اشغال محسوب می‌شود. به‌ویژه در جایی که مقرر می‌دارد: «اسرائیل بر تمامیت سرزمینی غزه نظارت و از آن محافظت خواهد کرد». در واقع از زمان توافق اسلو در سال ۱۹۹۵ و بعد از طرح خروج سال ۲۰۰۴، اسرائیل جایگاه خود را به عنوان قدرت اشغالگر در غزه حفظ کرده است، اما وظایف قانونی خود را برای تهیه مواد غذایی و دارویی به نهادهای بشردوستانه که توسط کشورهای ثالث و مؤسسات بین‌المللی تأمین مالی می‌شوند، واگذار کرده است. اسرائیل نهادهای بشردوستانه را مجبور می‌کند تا برای ارائه کمک‌های بشردوستانه با اسرائیل هماهنگ باشند (Zurayk & Gough, 2013: ۱۳). ملزم شدن نهادهای بشردوستانه به هماهنگی با رژیم صهیونیستی باعث شده است تا اسرائیل کاملاً بر ورود و خروج مواد غذایی به غزه کنترل نماید. تا سال ۲۰۱۸، بیش از ۸۰ درصد از جمعیت غزه برای غذا به کمک‌های بشردوستانه متکی بودند و همچنان برای تأمین نیازهای غذایی خود به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند (United Nations, 2018: 5). این وضعیت هنوز هم ادامه داشته و بعد از عملیات هفتم اکتبر ۲۰۲۳ ورود و خروج مواد غذایی به غزه از سوی رژیم صهیونیستی به صورت شدید کنترل می‌شود.

۳,۴ دیدگاه حقوق بین‌الملل کیفری

گرسنگی دادن به جمعیت غیرنظامی طبق حقوق بین‌الملل کیفری، یک جنایت جنگی است (Conley & De Waal, ۲۰۱۹: ۶۹۹; Luciano, 2023: 284; Ventura, 2019: 781). از نظر تاریخی، جرم‌انگاری گرسنگی دادن اغلب توسط



قدرت‌های غربی که مایل به استفاده از محاصره علیه دشمنان خود هستند، با مانع مواجه شده است. زیرا گرسنگی اجباری ابزار استعمار و جنگ برای قدرت‌های غربی در طول قرن‌ها بوده است. در منازعات میان کشورها، امنیت غذایی همواره دومین جبهه نبرد محسوب می‌شود. به همین دلیل پیگرد قانونی برای گرسنگی دادن و رویه قضایی در این زمینه نادر می‌باشد (Jordash, Murdoch & Holmes, 2019: 849). اساسنامه رُم «استفاده عمدی از گرسنگی دادن به غیرنظامیان به‌عنوان یک روش جنگی با محروم کردن غیرنظامیان از اشیاء ضروری برای بقای‌شان، از جمله ممانعت عمدی از تحویل کمک‌های امدادی» را به‌عنوان یک جنایت جنگی توصیف می‌کند ((ICC Statute, Article 8(2)(b)(xxv)). طبق اساسنامه رُم، در مواد مرتبط با جنایات علیه بشریت هیچ مقرره صریحی در مورد گرسنگی وجود ندارد. با این حال، گرسنگی می‌تواند زمینه‌های تحقق جنایات علیه بشریت را ایجاد کند. یکی از این مواد مطابق قسمت «ک» بند اول ماده ۷ اساسنامه رُم «سایر اعمال غیرانسانی با ماهیت مشابه که عمداً باعث رنج زیاد یا آسیب جدی به بدن یا سلامت روانی یا جسمی می‌شوند»، می‌باشد (Luciano, 2023: 284) جهت اثبات این جنایت نیازی به قصد عمدی ایجاد گرسنگی نیست، بلکه صرف «آگاهی از احتمال آسیب مربوطه» جهت پیگرد کیفری کافی است (Ventura, 2019: 781). اگر گرسنگی منجر به مرگ (قتل) شود، تحت قسمت «الف» بند اول ماده ۷ اساسنامه رم از جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود. در پرونده کاراجیچ، دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، رادوان کاراجیچ را به جرم قتل علیه بشریت به دلیل گرسنگی دادن به زندانیان محکوم کرد. برای اینکه اتهام قتل عمد مطرح شود، فعل یا ترک فعل متهم باید با قصد کشتن، وارد کردن آسیب شدید بدنی یا علم به وقوع مرگ صورت گرفته باشد (Ventura, 2019: 781). «تام دانباوم»، استدلال می‌کند که گرسنگی ناشی از محاصره تحت قسمت «و» بند اول ماده ۷ اساسنامه رم شکنجه تلقی محسوب شده و بر این اساس تحت صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری قرار می‌گیرد (Dannenbaum, 2022: 368). اخیراً، گام‌هایی برای پیشبرد چارچوب هنجاری مربوط به ناامنی غذایی در درگیری‌های مسلحانه برداشته شده است. در ماه مه ۲۰۱۸، شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۲۴۱۷ را در مورد ناامنی غذایی ناشی از درگیری تصویب کرد (UN.SCR, 2018). شورای امنیت تأکید می‌کند که استفاده از گرسنگی دادن به‌عنوان یک روش جنگی، نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه است. قطعنامه بر این موضوع تأکید دارد که هرگونه ممانعت عمدی از دسترسی نیروهای امدادسانی بشردوستانه برای رساندن کمک‌ها به غیرنظامیان نیازمند، می‌تواند منجر به سوءتغذیه و قحطی شود که در تضاد با حقوق بین‌المللی بشردوستانه است. این قطعنامه از همه طرف‌های درگیر در منازعات می‌خواهد که فوراً این اقدامات را متوقف کنند و از جامعه بین‌المللی می‌خواهد تا برای جلوگیری از تبدیل شدن ناامنی غذایی به یک ابزار جنگی، تلاش کنند.

۴. مستندات ایجاد قحطی عمدی و برنامه‌ریزی شده در غزه



همان‌طور که دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس گزارش‌های بروز شده دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد^۱، یونسف^۲، برنامه جهانی غذا، آنروا^۳ در رأی خود در قضیه آفریقای جنوبی علیه اسرائیل و دستور توقف عملیات نظامی استفاده کرد، در این تحقیق ما نیز از گزارش‌های مذکور و گزارش‌های «جان دوگارد»، «گلد ستون» و «فرانچسکا آلبانیز»، «مایکل فخری» و سایر گزارش‌های موجود جهت اثبات نقض آشکار حقوق بشر و قوانین بین‌المللی بشردوستانه از سوی رژیم صهیونیستی در غزه استفاده می‌کنیم.

«جان دوگارد» - گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های فلسطینی اشغالی - در گزارش خود مقرر می‌دارد: «محاصره غزه نوعی گرسنگی دادن به جمعیت غیرنظامی است که نقض کنوانسیون چهارم ژنو مصوب ۱۲ آگوست ۱۹۴۹ محسوب می‌شود» (Dugard, 2007: 2) دوگارد در پاراگراف ۱۶ گزارش خود می‌نویسد: «رفح، نقطه عبور اهالی غزه به مصر، و کارنی، گذرگاه تجاری برای واردات و صادرات کالا، نقاط عبور و مرور هستند. آنها موضوع توافق‌نامه تردد و دسترس هستند که بین اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۵ منعقد شد و به اهالی غزه اجازه می‌دهد آزادانه از طریق رفح به مصر سفر کنند؛ و از طریق کارنی زمینه صادرات و واردات را فراهم کنند. از ۲۵ ژوئن ۲۰۰۶، گذرگاه رفح تنها ۷٪ از ۳۰ روز را فعال بوده است، زیرا اسرائیل از عبور و مرور در رفح، خودداری کرده است. بسته شدن رفح منجر به مشکلات زیادی شده است. بیماران و مجروحان نتوانسته‌اند آزادانه به مصر سفر کنند؛ کسانی که مایل به ترک غزه بوده‌اند، مجبور بوده‌اند صبورانه، گاهی اوقات برای هفته‌ها، منتظر باز شدن رفح بمانند (Dugard, 2007: 2). بسته شدن رفح به‌عنوان عمل تلافی‌جویانه در مقابل دستگیری سرخوخه شالیت توجیه شده است. وضعیت در کارنی نیز بهتر نیست. از نظر توافق‌نامه تردد، قرار بود تعداد کامیون‌های عبوری از کارنی تا پایان سال ۲۰۰۶ به ۴۰۰ کامیون در روز افزایش یابد. در عوض، این گذرگاه از ماه آوریل به مدت ۵۴ درصد از روزهای کاری برنامه‌ریزی شده (از ۲۵ ژوئن به این سو، ۷۱ درصد از این روزها) بسته بوده است و به‌طور متوسط تنها ۱۲ کامیون کالا صادر شده است (Dugard, 2007: para.16). همان‌طور که دوگارد در گزارش خود اشاره کرده است محاصره غزه عواقب فاجعه‌باری برای اقتصاد و حق بر غذای مردم غزه داشته است. بیشتر محصولات کشاورزی برای جلوگیری از فاسد شدن در غزه اهدا یا نابود شدند. واردات نیز به شدت آسیب دیده و بسیاری از مواد غذایی اساسی به بازارهای محلی نرسیده است.

گلد ستون - رئیس هیأت حقیقت‌یاب شورای حقوق بشر در مورد مناقشه غزه - گزارش نهایی خود را در دوازدهمین جلسه شورای حقوق بشر در سال ۲۰۰۹ ارائه کرد. در پاراگراف ۹۳۸ این گزارش آمده است اینکه اقدامات اسرائیل به وضعیت گرسنگی شدید برنامه‌ریزی شده نرسیده است، عمدتاً نتیجه کمک‌های خارجی ارائه شده به جمعیت غزه است (Goldstone, 2007: ۹۳۸). با این حال، این امر به شدت بر توانایی غزه‌ای‌ها هم در تولید غذا و هم در خرید آن تأثیر گذاشته است. یافته‌های هیئت

^۱The United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs (OCHA).

^۲The United Nations Children's Fund (UNICEF).

^۳World Food Programme (WFP).

^۴The United Nations Relief and Works Agency for Palestine Refugees in the Near East (UNRWA)

^۵Agreement on Access and Movement-AMA.



حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حق دسترسی مردم غزه به غذا در پاراگراف‌های ۹۵۶ تا ۹۶۱ درج شده است. هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد دریافت که در طول عملیات سرب‌گداخته، اسرائیل «سیاستی عمدی و برنامه‌ریزی شده» برای هدف قرار دادن تأسیسات تولید مواد غذایی اجرا کرده است. این تجاوز نظامی تقریباً به تمام ۱۰۰۰۰ مزرعه کوچک غزه آسیب رساند، حدود نیم میلیون درخت و بیش از ۳۵۷۵۰ گاو، گوسفند و بز و بیش از یک میلیون پرنده و مرغ را نابود کرد. هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد در پاراگراف ۹۵۹ مقرر می‌دارد: «تخریب مزارع بی‌دلیل بوده و از نظر نظامی ضروری نبوده است. نه تنها مرغداری‌ها، بلکه تمام کارخانه و ماشین‌آلات مزارع نیز نابود شدند» (Goldstone, 2007: 959). گلدستون در پاراگراف ۵۰ گزارش خود تخریب تأسیسات صنعتی و بخش‌های تولید مواد غذایی از جمله «آسیاب‌البدر» یعنی تنها آسیاب آردی نوار غزه را به‌مثابه جنایت جنگی توصیف کرده است. کمیته هم‌چنین نتیجه می‌گیرد که تخریب این آسیاب به‌منظور محروم ساختن ساکنان غیر نظامی از مواد غذایی صورت گرفته است که تجاوز به قوانین و عرف بین‌الملل محسوب می‌شود و ممکن است که جنایتی جنگی را باعث شود و علاوه بر آن حمله به آسیاب آرد تجاوز به حق دستیابی به غذا و اسباب معیشت است.

فرانچسکا آلبانیز - گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های فلسطینی - در بند ۲۰ گزارش خود مقرر می‌دارد: «حملات برنامه‌ریزی شده به منابع غذایی در غزه نشان‌دهنده قصد نابودی جمعیت آن از طریق گرسنگی است. اسرائیل زمین‌های کشاورزی و منابع طبیعی را نابود کرده و به مراکز توزیع مواد غذایی، تیم‌های هماهنگی و کاروان‌های کمک‌رسانی حمله کرده است. جمعیت گرسنه‌ای که منتظر غذا بودند، قتل عام شده‌اند. پس از دستورهای تخلیه مداوم و تصرف گذرگاه رفح توسط اسرائیل، توزیع وعده‌های غذایی روزانه از ژوئیه تا اوت ۲۰۲۴، ۳۵ درصد کاهش یافته است. از اوت ۲۰۲۴، مجوزهای ورود برای سازمان‌های بشردوستانه تقریباً به نصف کاهش یافت. دسترسی به آب به یک چهارم سطح قبل از ۷ اکتبر محدود شده است. تقریباً ۹۳ درصد از اقتصادهای کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری نابود شده است. ۹۵ درصد از فلسطینی‌ها با سطوح بالای ناامنی غذایی حاد، و محرومیت برای دهه‌های آینده روبرو هستند (Albanese, 2023: para.20). بند ۲۱ گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های فلسطینی در سال ۲۰۲۴ مقرر می‌دارد: «در اوت ۲۰۲۴، وزیر دارایی اسرائیل، «بزالل اسموتریچ»، اظهار داشت که گرسنگی دادن به کل جمعیت غزه موجه و اخلاقی است، حتی اگر در نتیجه آن ۲ میلیون نفر جان خود را از دست بدهند. در ماه‌های اخیر، از ورود ۸۳ درصد از کمک‌های غذایی به غزه جلوگیری شده است و ماموران غیرنظامی مسئول تامین و توزیع مواد غذایی در رفح بارها مورد هدف قرار گرفته و به این ترتیب، بحران گرسنگی در سراسر غزه را تشدید کرده است. شیوه‌های گرسنگی و محرومیت در شمال غزه به وضوح قابل مشاهده و فاحش می‌باشد» (Albanese, 2023: para.21). فرانچسکا آلبانیز هم‌چنین در گزارش ۱۱ جولای ۲۰۲۵ تحت عنوان «از اقتصاد اشغال تا اقتصاد نسل‌کشی» در پاراگراف دوم گزارش مقرر می‌دارد: «شرکت‌های خصوصی در سرزمین‌های اشغالی موجب شکل‌گیری اقتصادی شده است که می‌توان آن را اقتصاد نسل‌کشی نامید که گرسنگی را تشدید و موجب ترویج استخراج غیرقانونی از منابع

طبیعی و زمین‌خواری شده و سیستم‌های غذایی فلسطینیان را از بین می‌برند و آوارگی را تسریع می‌کند» (Albanese, 2025: para.11).

مایکل فخری -گزارشگر ویژه حق غذا-، در گزارش تحلیلی و گرافیکی خود «حاکمیت غذایی مردم فلسطین»، را به تصویر کشیده است. مایکل فخری دلیل گزارش تصویری را در بند هفتم این چنین بیان می‌کند: «کلمات نمی‌توانند همه ابعاد گرسنگی عمدی، برنامه‌ریزی شده و نظام‌مند اسرائیل را به تصویر بکشند. کلمات نمی‌توانند چشم‌اندازی برای آینده‌ای بهتر برای مردم فلسطین و جهان ارائه دهند» (Fakhri, 2024: para.7). بنابراین، گزار شگر ویژه یک گزارش تصویری تهیه کرده است که توسط «عمر خوری»، هنرمند مشهور-، تصویرسازی شده است. تصاویر برای گزارش حاضر ضروری هستند. از بندهای ۲۷ تا ۷۴ گزار شگر ویژه حق بر غذا سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۴ مقرر می‌دارد: «گر سنگی به‌عنوان شیوه جنگی برای نسل‌کشی، نابودی یا شکنجه در غزه بکار برده می‌شود». گزار شگر ویژه در گزارش خود تأکید می‌کند هر نمونه از گر سنگی جمعی نماینگر نسل‌کشی و هر نمونه از گر سنگی دادن به یک فرد، بیانگر جنایت شکنجه است. اسرائیل از گر سنگی به‌عنوان یک سلاح و شیوه جنگی علیه مردم فلسطین استفاده می‌کند که نشان‌دهنده نسل‌کشی و نابودی ملت فلسطین است (Fakhri, 2024: para.112). مایکل فخری در گزارش ۲۰۲۴ به‌طور مکرر تأکید می‌کند که استفاده از گر سنگی به‌عنوان یک روش جنگی در غزه، یک نقض فاحش قوانین بین‌المللی بشردوستانه و حق بر غذا است. وی خواستار توقف فوری و کامل محاصره‌ای است که مانع ورود غذا و کمک‌های بشردوستانه به غزه می‌شود و در حال ایجاد قحطی هدفمند است.

دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در حکم خود در تاریخ ۲۸ مارس ۲۰۲۴ در پرونده آفریقای جنوبی علیه اسرائیل، با اشاره صریح به «وضعیت فاجعه‌بار انسانی» در غزه، به دولت اسرائیل دستور داد: «تمام اقدامات لازم و مؤثر را برای اطمینان از ارائه بدون مانع خدمات اولیه و کمک‌های بشردوستانه فوری مورد نیاز انجام دهد» (ICJ, 2024, Para.45). دیوان اظهار داشت که اسرائیل موظف است این اقدامات را برای رعایت تعهدات خود تحت کنوانسیون نسل‌کشی انجام دهد دیوان نگرانی ویژه خود را در مورد «گسترش قحطی و گرسنگی» ابراز کرده و در پاراگراف ۴۵ رای خود مقرر می‌دارد: «اسرائیل باید مطابق با تعهدات خود تحت کنوانسیون نسل‌کشی، و با توجه به بدتر شدن شرایط زندگی فلسطینیان در غزه، به ویژه گسترش قحطی و گرسنگی: (الف) تمام اقدامات لازم و مؤثر را برای اطمینان از ارائه بدون مانع خدمات اساسی و کمک‌های بشردوستانه فوری مورد نیاز، از جمله غذا، آب، برق، سوخت، سرپناه، پوشاک، بهداشت و ملزومات بهداشتی، و همچنین لوازم پزشکی و مراقبت‌های پزشکی به فلسطینیان در سراسر غزه، بدون تأخیر و با همکاری کامل سازمان ملل متحد، در مقیاس وسیع توسط همه طرف‌های ذینفع، از جمله با افزایش ظرفیت و تعداد نقاط عبور زمینی و باز نگه داشتن آنها تا زمانی که لازم باشد، انجام دهد. و (ب) فوراً اطمینان حاصل کند که ارتش آن مرتکب اعمالی نمی‌شود که نقض هر یک از حقوق فلسطینیان در غزه از جمله جلوگیری از ارائه کمک‌های بشردوستانه فوری مورد نیاز باشد» (ICJ, 2024: Para.45). نتیجه اینکه دیوان بین‌المللی دادگستری در ماه ژانویه ۲۰۲۴ با صدور دستورات



موقت، الزام طرف‌ها به رعایت تدابیر احتیاطی را مورد تأکید قرار داد، که این شامل درخواست برای اطمینان از دسترسی کافی به خدمات اساسی و کمک‌های بشردوستانه، از جمله غذا و دارو به جمعیت غزه بود.

آخرین یافته‌های آنروا نشان می‌دهد که سوءتغذیه در شهر غزه به ۲۸٫۵ درصد رسیده است، به این معنی که از اواسط ماه اوت، تقریباً از هر سه کودک خردسال، یک نفر دچار سوءتغذیه است. گزارش آنروا نشان می‌دهد که از ماه مارس، نزدیک به ۱۰۰۰۰۰ کودک زیر پنج سال توسط آنروا غربالگری شده‌اند. در کمتر از شش ماه، سوءتغذیه کودکان در سراسر نوار غزه سه برابر شده است (UNRWA, 2025: 4). طبق غربالگری‌های آنروا، سوءتغذیه در شهر غزه اکنون تقریباً شش برابر سطح آن از زمان فروپاشی آتش‌بس و آغاز محاصره کمک‌ها و مواد غذایی در ماه مارس است که ۴٫۸ درصد بود. مطابق گزارش آنروا و طبق گزارش گروه تغذیه، تقریباً ۱۳۰۰۰ مورد جدید پذیرش کودکان برای درمان سوءتغذیه حاد در ژوئیه ۲۰۲۵ ثبت شده است: بیش از ۲۸۰۰ کودک یعنی ۲۲ درصد از سوءتغذیه حاد شدید رنج می‌برند (UNRWA, 2025: 4). شدیدترین موارد کودکانی که از سوءتغذیه حاد شدید با عوارض رنج می‌برند و نیاز به بستری شدن و درمان در مراکز تثبیت دارند نیز افزایش یافته است، به طوری که تنها در ژوئیه ۱۲۹ مورد در مقایسه با ۲۱۵ مورد بین ژانویه و ژوئن وجود داشته است. در ۱۰ آگوست، سازمان «نجات کودکان» اعلام کرد که مرگ گزارش شده ۱۰۰ کودک بر اثر گرسنگی در غزه از اکتبر ۲۰۲۳ «یک نقطه عطف ویرانگر است که جهان را شرمسار می‌کند و نیازمند اقدام فوری است که مدت‌ها به تعویق افتاده بود» و بر پیامدهای ویرانگر و درازمدت سلامت تأکید کرد.

طبق گزارش دفتر سازمان ملل متحد برای هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد قحطی اکنون در استان غزه در حال وقوع است و پیش‌بینی می‌شود تا پایان سپتامبر به دیر البلح و خان یونس نیز گسترش یابد. هم‌چنین طبق گزارش فوق، حداقل ۲۰۰۰ نفر که به دنبال کمک‌های غذایی و پیدا کردن مواد غذایی بودند، در سه ماه اخیر (قبل آگوست ۲۰۲۵) کشته شده‌اند نیروهای اسرائیلی در کنار عملیات‌های زمینی، بمباران‌های سنگینی را از هوا، زمین و دریا در سراسر نوار غزه انجام می‌دهند (OCHA, 2025: 4). گزارش دفتر سازمان ملل متحد برای هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد بیانگر تخریب ساختمان‌های مسکونی و حمله به مدارس، چادرها و حمله نیروهای رژیم اسرائیلی به افراد غیرنظامی هستند که سعی در دسترسی به مواد غذایی دارند. طبق گزارش دفتر سازمان ملل متحد برای هماهنگی امور بشردوستانه از زمان استقرار سیستم توزیع نظامی کمک‌های بشردوستانه در نوار غزه از ۲۷ مه تا ۲۶ اوت، حداقل ۲۰۱۴ نفر که به دنبال کمک بودند عمدتاً مردان و پسران جوان- در غزه کشته شدند ۱۰۷۴ نفر در نزدیکی مکان‌های توزیع نظامی و ۹۴۰ نفر در امتداد مسیرهای کاروان‌های تدارکات کشته شده‌اند (OCHA, 2025: 4). گزارش دفتر سازمان ملل متحد برای هماهنگی امور بشردوستانه به گزارش طرح جهانی طبقه‌بندی یکپارچه مرحله امنیت غذایی (IPC) استناد کرده و مقرر می‌دارد: «مطابق تجزیه تحلیل آی.پی.سی قحطی در غزه به مرحله پنج آی.پی.سی رسیده است و این یک توصیف اغراق‌آمیز نیست، بلکه یک فاجعه ساخته دست بشر و یک کیفرخواست اخلاقی و شکست خود بشریت است (IPC, 2025: para.23). قحطی فقط مربوط به غذا نیست؛ بلکه فروپاشی عملی ساختارهای



مورد نیاز برای بقای انسان در سرتا سر نوار غزه به وضوح دیده می‌شود. اسرائیل به‌عنوان قدرت اشغالگر، طبق قوانین بین‌المللی تعهدات صریحی دارد که جامعه بین‌المللی باید این رژیم را به تأمین غذا و دارو برای مردم مجبور نماید.

نهاد «کمیته بین‌المللی پایش گرسنگی» (آی.پی.سی) که از سوی سازمان ملل پشتیبانی می‌شود و وظیفه نظارت جهانی بر وضعیت گرسنگی را برعهده دارد، در گزارش ۲۹ ژوئیه ۲۰۲۵ تأیید کرده است که بدترین حالت قحطی در حال حاضر در نوار غزه در حال وقوع است، در حالی که مردم غزه از گرسنگی، قحطی، سوء تغذیه، بیماری و آوارگی رنج می‌برند که دسترسی به کمک‌های بشردوستانه به شدت محدود شده و خدمات ضروری از جمله مراقبت‌های بهداشتی، در حال فروپاشی است (IPC, 2025: 5). داده‌ها گزارش آی.پی.سی نشان می‌دهد که بیشتر مناطق نوار غزه به آستانه قحطی مواد غذایی و شهر غزه نیز به آستانه سوء تغذیه حاد رسیده است. داده‌های جمع‌آوری شده توسط آی.پی.سی تأیید می‌کنند که مصرف مواد غذایی در سرتا سر نوار غزه به طرز چشمگیری بدتر شده و به پایین‌ترین سطح خود از اکتبر ۲۰۲۳ رسیده است. در ژوئیه، ۸۱ درصد از خانوارها مصرف غذای نامناسب (نسبت به ۳۳ درصد در آوریل) را گزارش کردند و ۲۴ درصد از خانوارها گرسنگی بسیار شدیدی را تجربه می‌کنند به طوری که از آستانه قحطی عبور کرده‌اند (IPC, 2025: 6). علاوه بر این، نرخ سوء تغذیه حاد در خان یونس دو برابر و در دیر البلح بین ماه مه و ژوئیه ۷۰ درصد افزایش یافته است و در شهر غزه، نرخ سوء تغذیه حاد جهانی از ۴٫۴ درصد در ماه مه به رقم نگران‌کننده ۱۶٫۵ درصد در نیمه اول ژوئیه افزایش یافته و در نتیجه به آستانه قحطی برای سوء تغذیه حاد رسیده است. این هشدار تأکید می‌کند که تقریباً از هر ده خانوار، نه خانوار برای تغذیه خود به سازوکارهای مقابله‌ای غیرقابل تصویری مانند پذیرفتن خطر کشته شدن در مسیر به دست آوردن غذا و جستجوی زیاده‌متوسل شده‌اند. اعلام رسمی «کمیته بین‌المللی پایش گرسنگی» (آی.پی.سی) درباره وقوع قحطی در غزه، لحظه‌ای تاریخی و دردناک است. طبق معیارهای سخت‌گیرانه این نهاد، قحطی تنها زمانی اعلام می‌شود که ۲۰ درصد خانوارها با کمبود شدید غذا، ۳۰ درصد کودکان با سوء تغذیه حاد و نرخ مرگ‌ومیر روزانه بیش از دو نفر در هر ده هزار نفر باشد. تحقق هم‌زمان این سه معیار در غزه نشان می‌دهد که بحران، نه یک پیامد طبیعی جنگ، بلکه نتیجه مستقیم سیاست مهندسی‌شده «گرسنگی اجباری» است.

گزارش صلح جهانی و گروه تحقیقاتی معماری قانونی نشان از گرسنگی برنامه‌ریزی‌شده در غزه دارد. این گزارش در بند ۲۱ مقرر می‌دارد: «این گزارش بر نحوه توزیع کمک‌های اسرائیلی تمرکز دارد که ظاهراً مردم غزه را تغذیه می‌کند، در حالی که در واقع، طبق تحلیل ما، برنامه‌ای برای گرسنگی عمدی گسترده و در دو سطح است: اول، گرسنگی دادن به افراد از طریق ارائه جیره‌های غذایی، و دوم، استفاده از گرسنگی گسترده به‌عنوان وسیله‌ای برای از بین بردن انسجام اجتماعی در غزه و جدایی جمعیت از سرزمین خود از طریق تحمیل فشار به مردم غزه و اجبار آن‌ها به مهاجرت و ترک موطن مادری می‌باشد. یافته‌های گزارش بنیاد بشردوستانه غزه ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که اسرائیل به‌طور نظام‌مند «مدل غیرنظامی» مرسوم، سستی و مؤثر توزیع کمک‌های غذایی از طریق سازمان‌های امدادی و جامعه محلی را از بین برده و در عوض، یک «مدل نظامی» برای توزیع کمک‌های غذایی ایجاد کرده



است که می‌توان آن را در شکل جیره‌بندی غذایی و در ماهیت گرسنگی برنامه‌ریزی (مهندسی گرسنگی) شده نامید» (WPF & FA, 2025: 2). اسرائیل از طریق بنیاد بشردوستانه غزه که در واقع یک شرکت امنیتی خصوصی آمریکایی است، وابستگی به ساختاری ایجاد کرده است که از نظر طراحی و اجرا کشنده بوده و کاملاً نظام‌مند بودن ایجاد گرسنگی را در غزه نشان می‌دهد.

شاخص‌های مربوط به امنیت غذایی غزه در سال ۲۰۲۵ در سایه تداوم محاصره ظالمانه رژیم صهیونیستی علیه این باریکه و گزارش برنامه جهانی غذا در سال ۲۰۲۵ از قحطی در نوار غزه، نشان می‌دهد که می‌توانیم ۲۰۲۵ را سال گرسنگی برای غزه بنامیم. طبق گزارش برنامه جهانی غذا، گرسنگی در این منطقه محاصره شده اکنون در بالاترین سطح خود از زمان آغاز درگیری قرار دارد. (WFP, 2025: 2). تا مه ۲۰۲۵، برنامه جهانی غذا گزارش داد که ۵۷۰ هزار نفر با قحطی قریب‌الوقوع مواجه هستند و ۶۵ درصد کودکان زیر پنج سال از سوءتغذیه حاد رنج می‌برند. برنامه جهانی غذا سازمان ملل متحد در گزارش خود تأکید می‌کند که قحطی باید به هر قیمتی متوقف و «با توجه به افزایش مرگ و میر ناشی از گرسنگی، وخامت سریع سطح سوءتغذیه حاد و کاهش شدید مصرف مواد غذایی، و اینکه صدها هزار نفر روزها را بدون غذا سپری می‌کنند یک واکنش بشردوستانه فوری و کامل لازم و ضروری است. در ۲۹ ژوئیه، راس اسمیت، مدیر آمادگی و واکنش اضطراری برنامه جهانی غذا، خواستار اقدام فوری جامعه جهانی جهت رفع قحطی در غزه شد (WFP, 2025: 1). حادثه «قتل عام آرد» نمونه‌ای بارز از تقاطع گرسنگی و اتهامات جنایات جنگی است. نیروهای اسرائیلی به سوی غیرنظامیانی که برای دریافت آرد از کامیون‌های کم‌کسانی تجمع کرده بودند، آتش گشودند و دست‌کم ۱۱۸ نفر را کشته و ۷۶۰ نفر را زخمی کردند.

۵. الزامات تعقیب کیفری مرتکبان جنایت گرسنگی دادن

مطابق قواعد بین‌المللی هر دولتی در پاسخ به یک جنایت که «نقض فاحش قواعد بنیادین» تلقی شود حق دارد برای متوقف ساختن نقض و تضمین عدم تکرار آن اقدام نماید. مواد طرح مسئولیت دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱ درهای استناد به مسئولیت به روی دولت‌ها را باز کرده است. البته همان‌طور که کامتو گفته است بدون تردید، حق بالقوه هر دولتی به‌عنوان عضو جامعه بین‌المللی در مداخله یا استناد به مسئولیت در مورد نقض حقوق بشر مستلزم درجه‌ای از «شدت» است. بی‌تردید گرسنگی دادن به قصد نسل‌کشی از هر جهت از جمله شدت نقض، فاحش بودن نقض، نوع تعهد نقض شده آستانه لازم را برای «اقدام به نیابت از عموم» دارد. بهترین اقدام مطابق با ماده ۴۹ کنوانسیون اول ژنو (GC I, 1949: art.49)، ماده ۵۰ کنوانسیون دوم ژنو (GC I, 1949: art.50)، ماده ۱۲۹ کنوانسیون سوم ژنو (GC I, 1949: art.129)، ماده ۱۴۶ کنوانسیون چهارم ژنو (GC I, 1949: art.146) و پروتکل‌های الحاقی این کنوانسیون‌ها (پروتکل اول در زمینهٔ مخاصمات مسلحانهٔ بین‌المللی و پروتکل دوم برای مخاصمات مسلحانهٔ غیربین‌المللی) و اساسنامه رم شناسایی، تعقیب و کیفر جنایتکاران جنگی می‌باشند. برای تعقیب کیفری مرتکبان جنایت گرسنگی دادن لازم است ابتدا الزامات تعقیب کیفری مرتکبان جنایت گرسنگی دادن روشن گردد. تبیین عبارات مندرج در



ماده ۸(۲)(xxv)(b) اساسنامه رم، یعنی «گر سنگی» و «اشیاء ضروری برای بقا» که به اختصار «آ.آ.اس»^۲ نامیده می‌شود، گامی مهم در جهت روشن کردن الزامات تعقیب کیفری عمل گرسنگی دادن می‌باشد. توافق عمومی وجود دارد که اصطلاح «گر سنگی» باید تفسیر گسترده‌ای داشته باشد که فراتر از محرومیت صرف از غذا و آب باشد و شامل محرومیت از سایر کالاهای ضروری برای بقا در یک زمینه خاص، مانند و سایل پخت و پز، گرمایش یا پتو، نیز بشود (Akande & Gillard, 2019: 753) ماده ۵۴ پروتکل الحاقی اول، تفسیر محدودی را پیشنهاد می‌کند که فقط رفتارهایی را که هدفشان گرسنگی دادن به غیرنظامیان است، ممنوع می‌کند. بند اول ماده ۵۴ پروتکل الحاقی اول فقط گرسنگی دادن را «به‌عنوان یک روش جنگی» ممنوع می‌کند، که اولاً اثبات آن منوط به عمدی بودن رفتار گرسنگی دادن است و دوماً نشان می‌دهد آنچه ممنوع است نتیجه و اثر رفتار نیست، بلکه استفاده از گرسنگی به‌عنوان شیوه و روش جنگی است که ممنوع می‌باشد. این رویکرد مبتنی بر هدف بر اقدامات نیروهای نظامی متمرکز است. در مقابل، اساسنامه رم با قرار دادن این رفتار تحت ماده ۸(۲)(xxv)(b) در بخش «جنایات جنگی»، ممنوعیت گرسنگی دادن را تقویت می‌کند، اما اهمیت حیاتی آن در تفسیر آن تحت ماده ۷ (جنایات علیه بشریت) مشهود می‌شود. نتیجه اینکه مهم‌ترین تفاوت تحلیلی رویکرد اساسنامه رم و ماده ۵۴ پروتکل الحاقی اول در عنصر روانی^۳ و زمینه وقوع است. تفاسیر مربوط به پروتکل‌های الحاقی، نشان می‌دهد که فقط «گر سنگی دادن عمدی» غیرنظامیان ممنوع است. این در حالی است که بیشتر تلفات انسانی در مخاصمات ناشی از گرسنگی دادن است (Wenger & Mason, 2008: 842) بخش عمده‌ای از تلفات انسانی ناشی از گرسنگی، ممکن است در منازعاتی رخ دهد که اجرای دقیق الزامات «قصد خاص» (ماده ۵۴) در آن‌ها دشوار است. تفسیر گسترده‌ای که از سوی حقوقدانانی مانند «آکانده» و «گیلارد» برای گرسنگی و به تبع آن «اشیاء ضروری برای بقا» پیشنهاد می‌شود، تلاشی برای تطبیق حقوق بین‌الملل بشردوستانه با واقعیت‌های درگیری‌های مدرن است (Akande & Gillard, 2019: ۷۵۸).

۵.۱ وجود درگیری مسلحانه

عمل گرسنگی دادن در حین یک درگیری مسلحانه بین‌المللی رخ داده و یا با یک درگیری مسلحانه بین‌المللی مرتبط باشد. دادستان‌های بین‌المللی بدون روشن شدن ارتباط اعمال مرتکب جنایت گرسنگی دادن با یک درگیری مسلحانه هرگز، اقدام به پیگرد قانونی جنایات جنگی نمی‌کنند. صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی برای تعقیب کیفری عمل گرسنگی دادن در حین یک درگیری مسلحانه بین‌المللی کاملاً روشن و آشکار است اما شکاف در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، یعنی فقدان یک ماده

۱ Starvation.

۲ Objects Indispensable to Survival.

۳ OIS.

۴ Method of Warfare.

۵ Intentionality.

۶ Teleological Approach.

۷ Mens Rea.



خاص که گرسنگی در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی^۱ را طبق اساسنامه رم جرم‌انگاری کند و صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی را برای تعقیب کیفری فراهم نماید قابل تأمل است. این شکاف، حفاظت از غیرنظامیان را تهدید می‌کند و از پیگردهای کیفری بین‌المللی در تمام درگیری‌های فعلی که در آنها از گرسنگی استفاده می‌شود، جلوگیری می‌کند. عدم شفافیت و ابهام در عبارات مربوط به جنایت گرسنگی طبق ماده ۸(۲)(b)(xxv) اساسنامه رم، و نحوه اجرای آن در عمل به این شکاف دامن زده است. این عدم شفافیت در مورد معنای عناصر اساسی گرسنگی، از جمله الزام به اثبات «استفاده عمدی از گرسنگی به‌عنوان یک روش جنگی» توسط مرتکب، به این تصور غلط دامن زده است که پیگرد قانونی برای گرسنگی بسیار دشوار و پاسخگویی غیرقابل دستیابی است. لذا علیرغم جرم‌انگاری گرسنگی در حقوق بین‌الملل کیفری، هنوز خلاءهایی در این زمینه وجود دارد (Schabas, 2017: 285). اولاً محدوده دقیق ممنوعیت گرسنگی دادن به غیرنظامیان به‌عنوان یک روش جنگی، چندان مشخص نیست. دوماً بند دوم ماده ۸ اساسنامه رم صرفاً قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است. در سال ۲۰۱۸، سوئیس پیشنهاد گسترش این ماده به درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی را داد (ICC, 2018, §§ 9-11). این پیشنهاد توسط همه کشورهای عضو اساسنامه رم پذیرفته (Mulder & van Dijk 2021: 385) و توسط یازده کشور تصویب شد (ICC, 2019, ICC-ASP/18/Res.5). در پایان سال ۲۰۱۹، در زمان بررسی اصلاحیه پیشنهادی سوئیس توسط مجمع کشورهای عضو اساسنامه رم دامنه گرسنگی دادن نیز مورد بحث قرار گرفت (Coco, De Hemptinne & Lander, 2019: 45). این موضوع به‌ویژه به دلیل درگیری‌ها و بحران‌های بشردوستانه بزرگی بود که در آن زمان در مناطقی مانند یمن، سوریه و مناطقی از آفریقا وجود داشت، جایی که محاصره و جلوگیری از رسیدن غذا به جمعیت غیرنظامی به‌عنوان یک سلاح جنگی استفاده می‌شد.

۵.۲ آگاهی مرتکب از درگیری مسلحانه

مرتکب باید از وجود یک درگیری مسلحانه، آگاه باشد. اصطلاح «درگیری مسلحانه بین‌المللی» شامل اشغال نظامی نیز می‌شود. این شرط در مورد عنصر هر جرم و جنایتی تحت ماده ۸(۲)(الف) اساسنامه رم اعمال می‌شود. این شرط ترسیم‌گر واضح زنجیره علیت، ارتباط بین اعمال و ترک فعل‌های متهم و محرومیت از اشیاء ضروری برای بقا و هرگونه تأثیر متعاقب آن بر غیرنظامیان، گامی اساسی در جهت اثبات قصد در پیگرد قانونی گرسنگی خواهد بود. اگرچه مطابق ماده ۸(۲)(b)(xxv) گرسنگی دادن نیازی به اثبات نتیجه ندارد، اما از آنجایی که اکثر پیگردهای مربوط به گرسنگی حاکی از این هستند که گرسنگی ناشی از اعمال مرتکبین بوده است. لذا دادستان باید از طریق شواهد، علاوه بر احراز ارتباط بین اعمال مرتکبین و تأثیرات نامطلوب این اعمال بر بقا و حیات غیرنظامیان باید آگاهی مرتکب از وجود یک درگیری مسلحانه را نیز احراز نماید. برای احراز این آگاهی توجه به موارد ذیل ضروری است:

الف. وجود هرگونه طرح یا توافق مشترک (کتبی یا غیرکتبی، محاسبه‌شده، برنامه‌ریزی‌شده یا فی‌البداهه) برای محروم کردن

غیرنظامیان از اشیاء ضروری برای بقا؛

^۱ Non-international armed conflicts (NIACs).



ب. هرگونه مشارکت اساسی و هماهنگ‌شده در طراحی جنایت گرسنگی دادن توسط عاملان ادعایی که منجر به محرومیت از اشیاء ضروری برای بقا شده است (به عنوان مثال، محاصره، حملات هدفمند و مکرر به اشیاء ضروری برای بقا، از جمله زیرساخت‌های حمل و نقل و تأمین، مناطق کشاورزی، شیلات، تأسیسات پزشکی و بازارهای مواد غذایی و غیره)؛
ج. ماهیت و دامنه دقیق سازمان و سلسله مراتب نظامی یا غیرنظامی مربوطه؛
د. هرگونه نشانه‌ای از کنترل بر زنجیره‌های فرماندهی و سازمان(های) نظامی یا دستگاه‌های غیرنظامی که در محرومیت‌ها نقش داشته‌اند؛

ه. میزان کنترل بر جرم، یعنی اینکه آیا عامل ادعایی توانایی مادی برای کنترل سازمان نظامی مربوطه یا افراد موجود در آن را برای اطمینان از رعایت خودکار دستورات مربوطه داشته است یا خیر؛
و. هرگونه نشانه‌ای از قصد مجرم ادعایی (یا هر یک از همدستان او) برای گرسنگی دادن به غیرنظامیان از طریق محروم کردن آنها از اشیاء ضروری برای بقا؛
ز. هرگونه نشانه‌ای از آگاهی و پذیرش متقابل مجرم ادعایی و همدستان او از اینکه اجرای طرح مشترک منجر به محرومیت از اشیاء ضروری برای بقا و گرسنگی می‌شود؛ و
ح. هرگونه نشانه‌ای مبنی بر اینکه مجرم ادعایی به اقداماتی، چه گروهی و چه غیر آن، با هدف محروم کردن غیرنظامیان از اشیاء ضروری برای بقا کمک کرده است.

۵.۳ لزوم احراز عناصر سه‌گانه جرم

عنصر قانونی جنایت گرسنگی دادن حقوق بین‌الملل عرفی و قراردادی به‌ویژه پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ (ماده ۵۴ پروتکل اول) و اساسنامه رم (ماده ۸) می‌باشد. قطعنامه ۲۴۱۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد (UN.SCR, 2018: para.4) که توسط هلند حمایت و در ماه مه ۲۰۱۸ به اتفاق آرا تصویب شد، پاسخ شورای امنیت سازمان ملل متحد به ظهور مجدد قحطی و بحران انسانی رو به رشد است. این قطعنامه جنایت جنگی گرسنگی را برجسته کرده و از کشورهای عضو می‌خواهد که مرتکبان این جنایت را مورد پیگرد کیفی قرار دهند. برای اثبات و احراز عنصر مادی (فیزیکی)، مرتکب باید غیرنظامیان را از اشیاء ضروری برای بقای آنها محروم کرده باشد. برای اثبات و احراز عنصر معنوی (روانی) مرتکب قصد گرسنگی دادن به غیرنظامیان را به‌عنوان یک روش جنگی داشته است. این عناصر گرچه به ظاهر ساده به نظر می‌رسند اما آنچنان ابهاماتی دارند که مانع از تعقیب کیفی مرتکبان گرسنگی می‌شود. از جمله پیوند عنصر مادی (فیزیکی) و عنصر معنوی (روانی) است. تعیین معنا و رابطه بین دو اصطلاح «گرسنگی» و «اشیاء ضروری برای بقا» گامی مهم در جهت روشن کردن عناصر مادی جرم خواهد بود. اصطلاح اول یعنی گرسنگی به‌معنای محرومیت از غذا و آب است، در حالی که اصطلاح دوم یعنی «آ.آ.اس» به‌طور گسترده‌تر، هر چیزی را که برای بقا ضروری است، از جمله دارو، لباس و سرپناه را شامل می‌شود. اگرچه عبارت‌بندی ماده ۸(۲)(b)(xxv) اساسنامه رم «گرسنگی» را



به عنصر روانی (قصد) و «عمل غیرانسانی» را به یک عمل فیزیکی (محرومیت) مرتبط می‌کند، اما برای رسیدن به نتیجه صحیح باید این دو عبارت را در پیوند باهم بررسی کرد و بررسی جداگانه آنها کمکی در رفع ابهامات موجود نمی‌کند. در واقع، معنای این دو مفهوم باید با هم هماهنگ باشد تا جرم منسجم و قطعی باشد (Maharatna, 2014: 277). به‌عنوان مثال، پیگرد قانونی یک مجرم به دلیل محروم کردن یک غیرنظامی از داروهای حیاتی (مثلاً با تخریب یک بیمارستان) اما پس از آن، الزام به قصد او فقط با محرومیت از غذا یا آب، نامنسجم خواهد بود. ماده ۸(۲)(xxv)(b) دقیقاً تعریف نمی‌کند که کدام اعمال ممکن است منجر به محروم کردن غیرنظامیان از اشیاء ضروری برای بقا شود. ارجاع به حقوق بین‌الملل بشردوستانه، از جمله تعهدات و ممنوعیت‌های مربوط به ارائه کمک‌های بشردوستانه، به تعیین ماهیت اقدامات مورد نیاز کمک خواهد کرد. همانطور که در پروتکل‌های الحاقی تعریف شده است، طیف گسترده‌ای از اقدامات وجود از جمله «حمله»، «تخریب»، «از بین بردن» یا «بی‌فایده (بی‌اثر) کردن چنین اشیایی» می‌توانند محرومیت مربوطه را تشکیل دهند. همچنین شایان ذکر است که حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تعهدی بشردوستانه را برای اجازه دادن و ارائه کمک در مناطق محاصره شده فراهم می‌کند. پیش‌بینی می‌کند که محرومیت هم‌چنین می‌تواند از طریق ترک فعل رخ دهد. بنابراین، امتناع عمدی از انجام اقدامات منجر به تأمین اشیاء ضروری برای بقا به مردم غیرنظامی به‌عنوان یک روش جنگی محسوب شده و ممنوع است. این ممنوعیت شامل استفاده از روش‌های جنگی، مانند محاصره و انسداد، با هدف جلوگیری از تأمین اشیاء ضروری برای بقا به مردم و ممانعت عمدی از امدادسانی می‌شود. ماده ۸(۲)(xxv)(b) پیش‌بینی می‌کند که محرومیت از اشیاء ضروری برای بقا شامل ممانعت عمدی از «تأمین امدادسانی طبق کنوانسیون‌های ژنو» نیز می‌شود. محرومیت از اشیاء ضروری برای بقا به‌عنوان عنصر مادی جرم باید با قصد و هم‌چنین با آگاهی از شرایط (یعنی اینکه اشیاء محروم شده برای بقا ضروری بوده‌اند) انجام شود. با این حال، اصطلاح «عمدی» به وضوح به یک حالت روانی اشاره دارد و به همین ترتیب این سوال مطرح می‌شود که آیا می‌تواند جایگزین الزام قصد مرتبط با محرومیت از اشیاء ضروری برای بقا شود. معنای دقیق عمدی در حقوق بین‌الملل متفاوت است. در برخی موارد، حقوق بین‌الملل از واژه «عمدی» برای اشاره به بی‌احتیاطی و نه قصد استفاده می‌کند (Triffterer & Ambos, 2016: 510). در موارد دیگر، رویه حقوق بین‌الملل، عمد را شامل هر دو مفهوم قصد و بی‌احتیاطی دانسته است. با توجه به این رویکرد متفاوت، مفید است که به عبارت‌بندی دقیق این عنصر در ماده ۸(۲)(xxv) مراجعه کنیم. تفسیر مبتنی بر سیاق عبارت «محروم کردن غیرنظامیان از اشیاء ضروری برای بقا، از جمله با ممانعت عمدی از تدارکات امدادی» نشان می‌دهد که ممانعت عمدی از تدارکات امدادی صرفاً مصداق تمثیلی از اشیاء ضروری برای بقا ارائه می‌کند. لذا نه اشاره به عنصر مادی جرم از طریق بی‌احتیاطی و نه به قصد مرتکب اشاره دارد. در دنیای عملی پیگردهای کیفری بین‌المللی، تعریف و اعمال عناصر مادی بعید است که چالش قابل توجهی ایجاد کند. چالش برانگیزترین مورد در رابطه عناصر جنایت گرسنگی دادن مرتبط با قصد و نیت مرتکب است خواهد بود. نیتی که باید اثبات شود قصد خاص است. بدون شک، گرسنگی یک جرم با قصد خاص/با قصد پنهان است، به این معنی که باید نشان داده شود که مرتکب با قصدی فراتر از عمل

صرف محروم کردن اشیاء ضروری برای بقا عمل کرده است تا دستیابی به هدف گرسنگی را در بر بگیرد. سوال پیچیده‌تر مربوط به این است که آیا، همانطور که در مورد قصد نسل‌کشی توسط دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا و دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق تعریف شده است، آیا قصد خاص گرسنگی دادن هم‌چنین شامل این الزام می‌شود که مرتکب باید گرسنگی دادن به غیرنظامیان را به‌عنوان یک روش جنگی می‌خواسته است یا خیر، یا اینکه آیا او صرفاً یک اقدام (مثلاً حمله به فرو شگاه‌های مواد غذایی ضروری یا محاصره یک منطقه برای مجبور کردن ارتش به تسلیم) را دنبال کرده است که معمولاً منجر به نتیجه‌ای به نام گرسنگی دادن شده است (Dormann, 2001: 475). بی‌تردید گرسنگی دادن اگر مستلزم اثبات نتیجه لازم باشد پیگرد کیفری و اثبات چنین قصدی بسیار سخت خواهد بود. خوانش ساده ماده ۸(۲)(xxv)(b) اساسنامه رم نشان می‌دهد که نتیجه لازم عنصر تشکیل دهنده جرم گرسنگی دادن نیست. لذا جرم گرسنگی دادن بدون اثبات هیچ پیامد گرسنگی تکمیل می‌شود. از سوی دیگر پیامد گرسنگی محصور به فوت، مرگ، از بین رفتن، بیماری، سوء‌تغذیه، نسل‌کشی نیست. به‌عنوان مثال عنصر مادی جرم ممکن است نابودی کشاورزی به معنای مجبور کردن غیرنظامیان به مهاجرت به سایر مناطق یا بمباران تأسیسات تولید مواد غذایی، بدون هیچ گونه تلفاتی باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

رژیم صهیونیستی با محاصره غذایی غزه مرتکب جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت شده است. این اقدامات نه تنها نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه است، بلکه ممکن است در صورت اثبات قصد نابودی فلسطینیان، به‌عنوان نسل‌کشی نیز مورد بررسی قرار گیرد. علیرغم اینکه گرسنگی دادن طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه ممنوع است، طیف وسیعی از استثنائات و اصول نظامی مانند اصل قابلیت پیش‌بینی معقول و اصل ضرورت نظامی به‌طرفین یک مخاصمه اجازه می‌دهد به اشیاء ضروری برای بقا حمله کنند بدون آن که دارای مسئولیت باشند. اگرچه ضرورت نظامی حقیقی برای گرسنگی دادن به افراد ایجاد نمی‌کند، اما هرگونه تفسیری از ماده ۸(۲)(xxv)(b) اساسنامه رم و جرم بودن عمل منجر به گرسنگی را پیچیده می‌کند (به‌ویژه با توجه به اینکه اساسنامه رم صراحتاً تصریح می‌کند که مفاد آن مطابق با قوانین بین‌المللی تفسیر شود). طرفین متخاصم مجاز به حمله به اشیاء ضروری برای بقا در طیف وسیعی از شرایط یا برای اهداف مختلف هستند، که این موارد تعقیب کیفری گرسنگی دادن را نیز محدود می‌کنند. از جمله:

الف. اگر اشیاء ضروری برای بقا نه توسط جمعیت غیرنظامی بلکه صرفاً توسط نیروهای مسلح طرف مقابل استفاده شود؛

ب. اگر حمایت از اشیاء ضروری برای بقا در راستای حمایت مستقیم از نیروهای نظامی باشد.

ج. اگر حملات علیه اشیاء ضروری برای بقا به‌دنبال یک ضرورت نظامی ضروری (به منظور جلوگیری یا کند کردن تهاجم دشمن به یک سرزمین) انجام شود. پروتکل الحاقی به‌طرفین اجازه می‌دهد که این اقدامات ضروری را در دفاع از قلمرو ملی خود، اتخاذ کنند؛



د. هنگام استفاده از محاصره قانونی (اقدام تلافی جویانه) یا هنگامی که محاصره با هدف کسب برتری نظامی اعمال می شود، حتی اگر به طور تصادفی باعث گرسنگی شوند، جنایت گرسنگی دادن محقق نمی گردد.

لذا پیشنهاد می گردد جهت تعقیب کیفری مرتکبان، آمران و عاملان گرسنگی جمعیت غیرنظامی غزه دولت ها در استناد به ماده ۷ اساسنامه رم (جنایات علیه بشریت)، تفسیر موسعی از «اشیاء ضروری برای بقا» به عمل آورند. چنین تفسیر موسعی، خلاء ناشی از رویکرد مبتنی بر هدف مندرج در ماده ۵۴ پروتکل اول را پر می کند. به علاوه پیگرد کیفری بین المللی برای جرم گرسنگی، اگرچه شیوه مناسبی برای واکنش در برابر شکست بشریت است، اما چاره همه دردها نیست. لذا در پایان پیشنهاد می گردد جامعه بین المللی از سازوکارهای دیگری همانند پیگردهای داخلی، ظرفیت های اصل صلاحیت جهانی،^۱ دعاوی نزد نهادهای مربوطه معاهدات حقوق بشری، دعاوی بین المللی حقوق بشری، نهادهای تحقیقاتی و ابزارهای عدالت انتقالی عاملان جنایت گرسنگی برنامه ریزی شده را در مراجع قضایی و شبه قضایی محکوم کند. گزینه های پاسخگویی جایگزین متنوعی وجود دارد که باید از آنها استفاده کرد. کمیسیون های تحقیق، ماموریت های حقیقت یاب و هیأت های کارشناسان شورای امنیت سازمان ملل نقش حیاتی در تحقیق و پاسخگویی در مورد جنایت گرسنگی دادن ایفا می کنند. با توجه به اینکه «گرسنگی دادن عمدی» به قصد نسل کشی، یک «نقض فاحش قواعد بنیادین» مانند «یوس کوگنس»^۲ است، سایر دولت ها باید حق استناد به مسئولیت بین المللی دولت متخلف را، مطابق با ماده ۴۸ طرح مسئولیت دولت ها را اعمال کنند. فعال سازی حق اقدام به نیابت از عموم (رژیم مسئولیت دولت ها) شامل درخواست توقف فوری نقض و تضمین عدم تکرار آن است.

^۱ Universal Jurisdiction.

^۲ Jus Cogens.



فهرست منابع؛

۱. رضوانی سودابه (۱۳۹۶). حق بر غذا (حقوق ناظر بر مواد غذایی) چارچوب‌های داخلی، اروپایی و بین‌المللی، تهران: میزان.
 ۲. ضیایی‌بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۱)، حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر، مجموعه مقالات (بررسی تحولات اخیر حقوق بشردوستانه بین‌المللی، قم، دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه.
 ۳. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۶). تعلیق اجرای حقوق بشر در شرایط اضطراری، قم، مجله فقه و حقوق، ۱۲ (۱): ۳۲-۵۷.
 ۴. ممتاز، جمشید و ناصر قربان‌نیا (۱۳۸۵)، چارچوب هنجاری نظام بین‌الملل حقوق بشر و بشر دوستانه، نامه مفید حقوقی، ۵۵ (۲): ۱-۲۰.
 ۵. مولائی‌فرد، محسن؛ اشرافی، داریوش و ظاهری علیرضا (۱۴۰۱). مسئولیت دولت‌ها در حمایت از گروه‌های تروریستی با تأکید بر قضیه تادیج، حقوق عمومی، ۵۲ (۳): ۱۵۶۴-۱۵۴۷.
۱. Additional Protocol I (۱۹۷۷). Additional Protocol I. (۱۹۷۷), Protocol Additional to The Geneva Conventions of ۱۲ August ۱۹۴۹, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), Geneva, ۸ June ۱۹۷۷, Article ۵۶. Article ۵۶ was adopted by consensus. CDDH, Official Records, Vol. VI, CDDH/SR.۴۲, ۲۵ May ۱۹۷۷, p. ۲۰۹.
 ۲. Akande, D. & Gillard, E.-C. (۲۰۱۹). "Conflict-induced Food Insecurity and the War Crime of Starvation of Civilians as a Method of Warfare: The Underlying Rules of International Humanitarian Law", Journal of International Criminal Justice, ۱۷(۴): ۷۵۳-۷۷۹, doi : ۱۰.۱۰۹۳/jicj/mqz.۰۵۰.
 ۳. Albanese, Francesca (۲۰۲۳). Report of the Special Rapporteur on the Situation of Human Rights in the Palestinian Territories Occupied since ۱۹۶۷, A/۷۸/۵۴۵, ۲۴p.
 ۴. Albanese, Francesca (۲۰۲۵). From the economy of occupation to the economy of genocide, Human Rights Council, ۵۹th session, Report of the Special Rapporteur, Francesca Albanese, on the situation of human rights in the Palestinian territories occupied, A/HRC/۵۹/۲۳.
 ۵. Article
 ۶. CEDAW (۱۹۷۹). Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women New York, ۱۸ December ۱۹۷۹, United Nations General Assembly resolution ۳۴/۱۸۰.
 ۷. CESCR (۱۹۹۹). CESCR General Comment No. ۱۲: The Right to Adequate Food (Art. ۱۱), OHCHR, adopted at the ۲۰th Session of the Committee on Economic, Social and Cultural Rights, May ۱۲, ۱۹۹۹, <https://www.refworld.org/legal/cescr/۱۹۹۹/en/۸۷۴۹۱>.
 ۸. CESCR, (۱۹۹۹). General Comment No. ۱۲: The Right to Adequate Food (Art. ۱۱), Adopted at the Twentieth Session Of the Committee on Economic, Social and Cultural Rights, on ۱۲ May ۱۹۹۹ (Contained in Document E/C.۱۲/۱۹۹۹/۵).
 ۹. Coco, A, De Hemptinne, J., & Lander, B., (۲۰۱۹), "Special Issue on Starvation in International Law", Journal of International Criminal Justice, ۱۷(۴): ۹۱۳-۹۲۳. DOI : ۱۰.۱۰۹۳/jicj/mqz.۰۵۳.
 ۱۰. Conley, Bridget & De Wal, Alex (۲۰۱۹). The Purposes of Starvation", Journal of International Criminal Justice. ۱۷ (۴): ۶۹۹-۷۲۲. doi : ۱۰.۱۰۹۳/jicj/mqz.۰۵۴
 ۱۱. Craven M (۱۹۹۵). The International Covenant on Economic, Social, and Cultural Rights: a Perspective on its Development. Oxford: Clarendon Press, ۱۱۱۲.



۱۲. Dannenbaum, Tom (۲۰۲۲). "Siege Starvation: A War Crime of Societal Torture. Chicago Journal of International Law ۲۲(۱): ۳۴۸-۳۶۸.
۱۳. Defalco R, (۲۰۰۹). "The Right to Food in Gaze: Israel's Obligations under International Law", Internet Journal of Rutgers School of Law ۳۵ (۱): ۱۱-۲۲.
۱۴. Documents, Reports and Judicial Opinions
۱۵. Donahue, John F. & Brice, Lee L. (۲۰۲۳). Diet and Logistics in Ancient Greek and Roman Warfare, a Consideration, In book: Brill's Companion to Diet and Logistics in Greek and Roman Warfare, pp.۳-۱۶.
۱۶. Dornann, K, (۲۰۰۱). "Preparatory Commission for the International Criminal Court: The Elements of War Crimes- Part II: Other Serious Violations of the Laws and Customs Applicable in International and Non-International Armed Conflicts", International Review of the Red Cross, ۸۳(۸۴۲): ۴۷۵-۴۷۶.
۱۷. Dugard, John (۲۰۰۷). Report of the Special Rapporteur on the Situation of Human Rights in the Palestinian Territories Occupied since ۱۹۶۷, John Dugard, on the non-implementation of Human Rights Council resolution S-۱/۱, A/HRC/۴/۱۷, ۲۴p.
۱۸. ESCR, (۲۰۰۵). UNSpecial Rapporteur on the Right to Food. ۲۰۰۵. M. Jean Ziegler. UN Doc. E/CN.۴/۲۰۰۵/۴۷, of ۲۴ January.
۱۹. Fakhri, Michael (۲۰۲۴). Report of the Special Rapporteur on the right to food, Michael Fakhri: Starvation and the right to food, with an emphasis on the Palestinian people's food sovereignty (A/۷۹/۱۷۱) [EN/AR/RU/ZH].
۲۰. GC I, (۱۹۴۹). Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field, art. ۴۹, Aug. ۱۲, ۱۹۴۹, ۶ U.S.T. ۳۱۱۴, ۷۵ U.N.T.S. ۳۱ [hereinafter GC I].
۲۱. GC II, (۱۹۴۹). Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea, art. ۵۰, Aug. ۱۲, ۱۹۴۹, U.S.T. ۳۲۱۷, ۷۵ U.N.T.S. ۸۵ [hereinafter GC II].
۲۲. GC III, (۱۹۴۹). Geneva Convention Relative to the Treatment of Prisoners of War, art. ۱۲۹, Aug. ۱۲, ۱۹۴۹, ۶ U.S.T. ۳۳۱۶, ۷۵ U.N.T.S. ۱۳۵ [hereinafter GC III].
۲۳. Goldstone, Richard J. (۲۰۰۹). Report of the United Nations Fact-Finding Mission on the Gaza Conflict, Human rights situation in Palestine and other occupied Arab territories, A/HRC/۱۲/۴۸.
۲۴. HRC, (۲۰۱۳). The Right to Food: Resolution/adopted by the Human Rights Council, A/HRC/RES/۲۲/۹, Promotion and protection of all human rights, civil, political, economic, social and cultural rights, including the right to development.
۲۵. HRC, (۲۰۱۵). The Right to Food, Promotion and Protection of all Human rights, civil, political, Economic, Social and Cultural rights, Including the right to Development, A/HRC/RES/۲۸/۱۰.
۲۶. ICC, (۲۰۱۹). ICC Assembly of States Parties, Report of the Working Group on Amendments, ICC-ASP/۱۷/۳۵, ۲۹ November ۲۰۱۸, §§ ۹-۱۱; UN Doc C.N.۳۹۹.۲۰۱۹.TREATIES-XVII.۱۰, Switzerland: Proposal of Amendment, ۳۰ August ۲۰۱۹.
۲۷. ICC, (۲۰۱۹). ICC Assembly of States Parties, Resolution on amendments to article 8 of the Rome Statute of the International Criminal Court, ۶ December ۲۰۱۹, ICC-ASP/۱۸/Res.۵
۲۸. ICESCR, (۱۹۶۶). International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights," Office of the High Commissioner for Human Rights (OHCHR), adopted and opened for signature, ratification and accession



- by General Assembly resolution ۲۲۰۰A (XXI), December ۱۶, ۱۹۶۶, <https://www.ohchr.org/sites/default/files/cescr.pdf>.
۲۹. ICJ, (۲۰۲۴). Legal Consequences Arising From the policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem Advisory Opinion, ۱۹ July ۲۰۲۴. <https://www.icj.org/case/۱۸۶/advisory-opinions>.
۳۰. IICI, (۲۰۲۵). Report of the Independent International Commission of Inquiry (A/۸۰/۳۳۷) examination and housing in the Occupied Palestinian Territory and in Israel and presents a summary of the Commission's findings on the crime of genocide, A/۸۰/۳۳۷.
۳۱. ILC, (۲۰۰۱). Text of the Articles on the international responsibility of States for internationally wrongful acts Articles, ۲۰۰۱, Arts. ۴۱ & ۴۸.
۳۲. IPC, (۲۰۲۵). The Famine Relief Committee (FRC): Gaza Strip, With Reasonable Evidence is Confirmed in Gaza Governorate The Integrated Food Security Phase Classification (IPC) Famine Relief Committee (FRC) acknowledges the notable efforts made by the members of the IPC Analysis Team
۳۳. Jordash, Wayne; Murdoch, Catriona; Holmes, Joe (۲۰۱۹). "Strategies for Prosecuting Mass Starvation", *Journal of International Criminal Justice*. ۱۷ (۴): ۸۴۹-۸۷۹. doi: ۱۰.۱۰۹۳/jicj/nqz۰۴۴.
۳۴. Levi Howard S. (۱۹۷۹). "Report of the Commission on the Responsibility of the Authors of the [First World] War and on Enforcement of Penalties (۲۹ March ۱۹۱۹)", *International Law Studies, Documents on Prisoners of War*, ۶۰ (۴۳): ۱۵۸-۱۶۴.
۳۵. Lieber Code, Prepared by Francis Lieber, promulgated as General Orders No. ۱۰۰ by President Lincoln, ۲۴ April ۱۸۶۳. (cited in Vol. II, Ch. ۱۷, § ۴)
۳۶. Luciano, Simone Antonio (۲۰۲۳). "Starvation at the International Criminal Court: Reflections on the Available Options for the Prosecution of the Crime of Starvation", *International Criminal Law Review* ۲۳ (۲): ۲۸۴-۳۲۰. doi: ۱۰.۱۱۶۳/۱۵۷۱۸۱۲۳-0001۰۱۴۹.
۳۷. Maharatna, A., (۲۰۱۴). "Food Scarcity and Migration: An Overview", *Social Research*. ۸۱ (۱): ۲۷۷-۲۹۸.
۳۸. Mulder, Nicholas; van Dijk, Boyd (۲۰۲۱). *Why Did Starvation Not Become the Paradigmatic War Crime in International Law? Contingency in International Law On the Possibility of Different Legal Histories*. Oxford University Press. pp. ۳۷۰. ISBN ۹۷۸۰۱۹۲۸۹۸۰۳۶.
۳۹. OCHA, (۲۰۲۵). Humanitarian Situation Update #۳۱۷ | Gaza Strip [ENAR], The United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs (OCHA), <https://www.unognewsroom.org/story/en/۲۷۸۵/gaza-update-ocha-who-۲۹-august-۲۰۲۵>.
۴۰. Rome Declaration (۱۹۹۶). World Food Summit (WFS), Plan of Action, Rome, Available at: www.fao.org/wfs/final/rd-e.htm
۴۱. Schabas, W A. (۲۰۱۷). *An Introduction to the International Criminal Court* (۵th edn.), Cambridge University Press) at ۲۸۵.
۴۲. Schindler D. and Tonan J. (۱۹۸۸). *The Laws of Armed Conflicts*, Martinus Nijhoff Publishers.